

پژوهش در تاریخ، سال سیزدهم، شماره ۳۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴

## مجموعه گوهرشاد در هرات

### یافته‌های جدید در مورد معماری و تزئینات کاشی کاری<sup>۱</sup>

ساندرا اوب، توماس لورین، خولیو بندزو- سارمینتو

ترجمه: علیرضا طاهری مقدم<sup>۲</sup> و احمد تندی<sup>۳</sup>

### چکیده

مجموعه معماری مصلی به سفارش گوهرشاد در هرات (۸۲۰-۸۴۱ ق. / ۱۴۱۷-۱۴۳۸ م.) یکی از پایه‌های اصلی پایتخت تیموریان را تشکیل می‌دهد. این مجموعه در طول قرن‌ها آسیب قابل توجهی دیده است و در حال حاضر اطلاعات کمی در مورد معماری

<sup>۱</sup>. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Sandra Aube, Thomas Lorain & Julio Bendezu-Sarmiento (2019): The Complex of Gawhar Shad in Herat: New Findings about its Architecture and Ceramic Tile Decorations, Iran, DOI: 10.1080/05786967.2019.1571769

<sup>۲</sup>. دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشگاه هنر تهران:

alirezataherimoghaddam@gmail.com

<sup>۳</sup>. استادیار گروه صنایع دستی، دانشگاه هنر تهران: tonidi@ac.ir

و تزئینات آن وجود دارد. از دهه ۱۹۸۰م. دسترسی به آن به دلیل وجود مین‌های زمینی به شدت محدود شده است. هدف این مقاله ارائه آخرین مطالعات باستان‌شناسی است که در سال‌های اخیر در این سایت انجام گرفته، و سپس معرفی اولین نتایج حاصله از مطالعات بر روی کاشی‌های گردآوری شده از بنای «مصلی»<sup>۱</sup> است که در سال ۲۰۱۵ م. به موزه ملی هرات منتقل شده‌اند.

**واژگان کلیدی:** کاشی‌کاری، معماری، گوهرشاد، تیموریان هرات، مصلی



---

<sup>۱</sup> . muşallá

## مقدمه

بناهای دیدنی خارج از شهر قدیمی هرات، تقریباً به طور کامل منحصر هستند به زیارتگاه‌ها، بقعه‌ها و اماکن متبرکه. از این میان، به ویژه مجموعه ساختمان‌های مربوط به بنای «مصلی» که در جبهه شمالی شهر واقع شده است؛ در حال حاضر به دستور امرا در شرف نابودی است، و چیزی جز یادمانی از زیبایی آن برای نسل‌های آتی باقی نخواهد ماند.<sup>۱</sup>

شهر هرات که در سال ۸۰۷ ق. به دومین پایتخت امپراتوری تیموریان تبدیل شد (۷۷۱-۹۱۲ ق./ ۷۱۷-۹۱۱ ق.)، در طول قرن پانزدهم به لحاظ فرهنگی توسعه چشمگیری یافت.<sup>۲</sup> بین سال‌های ۸۲۰-۸۱۹ ق. و ۸۴۰-۸۴۱ ق.، در زمان سلطنت سلطان شاهرخ، حاکم تیموریان (حک: ۸۰۷-۸۵۰ ق.، گوهرشاد (متوفی ۸۶۱ ق.، همسر وی بعنوان یک بانی فعال در جایگاه خود، ناظر ساخت یک مجموعه مهم معماری شامل: یک مسجد و یک مدرسه اسلامی مرتبط با مقابر سلطنتی (تصویر ۱) بود. در اواخر قرن نوزدهم، بقایای مسجد گوهرشاد برای مدت کوتاهی بعنوان مصلی - یعنی فضای باز وسیعی مخصوص نماز جماعت - مورد استفاده قرار گرفت.<sup>۳</sup> گرچه این دوره زودگذر بود، اما این اصطلاح برای تعیین تمام یا بخشی از مجموعه وسیعی که توسط مجتمع گوهر شاد و مدرسه مجاور آن؛ که سال‌ها بعد توسط سلطان حسین بایقرا

<sup>۱</sup> Yate، شمال افغانستان،

<sup>۲</sup> بیش از ۶۰ بنای تاریخی در هرات در طول قرن پانزدهم ساخته شد که در میان آنها بناهای مذهبی و خیریه مهمی بودند. در این مورد به تاریخ هرات تیموری رجوع کنید به: آلن، فهرست نامها و آلان هرات تیموری و نیز به: اسزوپه «هرات» فوربس مانز، قدرت، سیاست و مذهب، و ظهور و حکومت. سابتلنی، تیموریان در طی تغییر و تحول تاریخی؛ برناردینی، تبلیغات برای حمایت افکار عمومی از ایده‌های سیاسی؛ کتاب لنتز و لوری، تیمور و چشم‌انداز در خورشاهزاده.

<sup>۳</sup> درباره اصطلاح مصلی (به عربی، ادگاه یا نمازگاه) رجوع کنید به: کتاب ونسیک و هیلن براند، «مصلی».

(حک: ۸۷۵-۹۱۱/۹۱۲-۸۷۴ ق.) ساخته شد، همچنان استفاده می‌شد. اگرچه این دو مجموعه کاملاً مستقل از یکدیگر بودند، نام «مصلی» به طرز عجیبی در آگاهی جمعی برای توصیف کل منطقه باقی ماند.<sup>۱</sup>

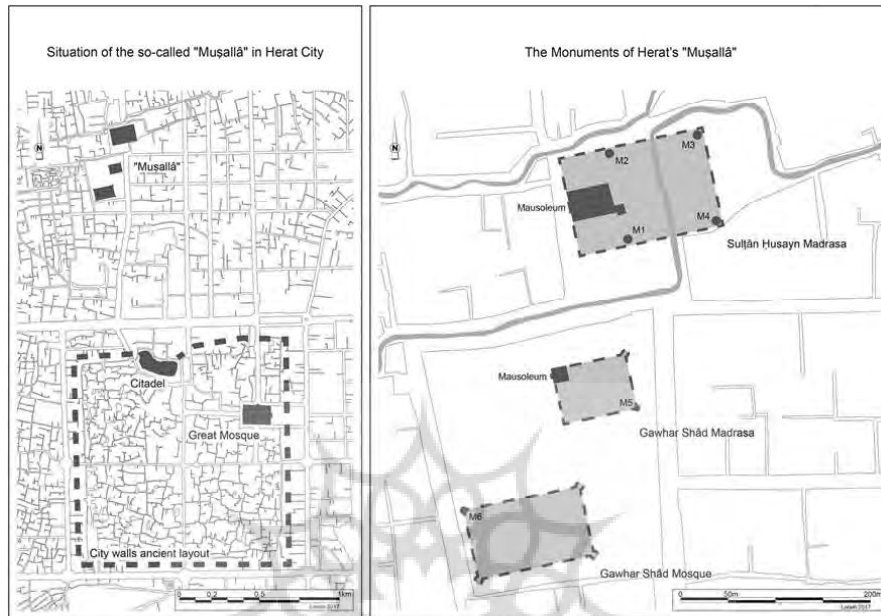
در حال حاضر قسمت کوچکی از این سایت بزرگ باقی مانده است. گذشت زمان، جنگ‌ها و زلزله‌ها این دو مجموعه را ویران کرده؛ به طوریکه در دهه ۱۸۳۰ و بر اساس گزارش‌های نوشته شده توسط مسافران اروپایی، به عنوان یک سایت تخریب شده، توصیف شده است. در طول قرن نوزدهم، حملات نظامی همچنان برای ویران کردن آن ادامه داشت و در سال ۱۸۸۵ به دنبال توصیه نظامیان بریتانیایی، امیر عبدالرحمن خان (۱۲۹۷-۱۳۱۸ ش.) دستور بمباران این مکان را صادر کرد تا از تبدیل شدن آن به مخفی‌گاه یا سنگری برای ارتش روسیه جلوگیری شود؛ درنهایت، روس‌ها هرگز به هرات نرسیدند اما با این وجود، قسمت‌های باقیمانده از بنای «مصلی» به شدت تحت تأثیر این کار قرار گرفت.<sup>۲</sup> فروپاشی سازه‌هایی که تا آن زمان هنوز پابرجا بودند نیز، ادامه یافت.

<sup>۱</sup>. در قرن پانزدهم، مصلی در پای کوه مختار قرار داشت. سپس در منابع این مکان را مصلا یا نمازگاه نامیدند (رجوع کنید به آلن، فهرست نامهای توپونی [نام مکان، به ویژه نامی که از یک ویژگی توپوگرافی گرفته شده است]، ۱۵۷). در اواخر قرن نوزدهم، این نمازخانه به خرابه‌های مسجد گوهرشاد منتقل شد. زمانی که نیدرمایر در سال‌های ۱۹۱۶-۱۹۱۷ از این مکان دیدن کرد، این مکان دیگر به عنوان مسجد استفاده نمی‌شد. نایدنرمن، افغانستان pl. 178، آلن، فهرست نام‌های توپونی، ۱۵۸؛ ۱۵۸ افغانستان، pl. 178؛ آلن، فهرست نام‌های توپونی.

<sup>۲</sup>. اولین توصیفات که اروپاییان در قرن نوزدهم ارائه کردند به دهه ۱۸۳۰ برمی‌گردد: از جمله کتاب سفرهای آرتور کولونولی؛ لائی، سفرها، ۲۵۶-۷.

به نقل از ژورنال فرانسوی پلی در سال ۱۸۳۸، تهاجمات قاجار می‌توانست بناهای باقی مانده را تا حد زیادی ویران کند، اما با قضاوت بر اساس گزارش‌هایی مانند فریر در سال ۱۸۴۵ (کتاب سفرهای کاروان)، ن. خانیکوف (۱۸۶۰) یا سراج الدین (در ۱۸۸۵، ترجمه آلن، کاتالوگ، مصلی) هنوز به خوبی حفظ شده بود. نام‌های نامی). در حوالی سال ۱۸۸۵،





شکل ۱. بازسازی شماتیک مسجد و مدرسه گوهر شاد در هرات

مناره‌های مسجد گوهرشاد یکی پس از دیگری فرو ریختند: اولین مناره بین سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۲۲، دو مناره دیگر پس از زلزله‌های ۱۹۳۱ و ۱۹۵۱، آخرین مورد نیز پس از

افسران کمیسیون مرزی افغانستان در بریتانیا اسناد قابل توجهی ارائه کردند. اگرچه تفسیر آنها گاهی دشوار است: نگاه کنید به کتاب توماس هولدیش صفحه ۱۷۷ "مصلى و مقبره"؛ یانه، شمال افغانستان، ۳۰؛ یانه، «کتیبه‌های رسمی در مصل»، ۲۹۰؛ و اسناد سایت فوتوکای افغانستان، به‌ویژه ELD 023 و ELD 024. نسخه آنلاین:

[http://www.phototeca-afghanica.ch/index.php?id=110&no\\_cache=1&txbrowserpi1%5Btxfmphototheca\\_collection.title%5D=5%11](http://www.phototeca-afghanica.ch/index.php?id=110&no_cache=1&txbrowserpi1%5Btxfmphototheca_collection.title%5D=5%11) [آخرین اتصال: فوریه ۲۰۱۷]. همچنین نگاه کنید به هم‌آوری مطالب در 11

اوکین، معماری تیموری در خراسان

۱. طبق گفته فوجر، La vieille Route, 10 and pl, سقوط قبلاً در آوریل ۱۹۲۲ رخ داده است. I. این مناره

در سال ۱۹۱۶ توسط Niedermayer در افغانستان عکسبرداری شده است. ۱۵۷-۶۴

از گلوله باران توپخانه در زمستان ۱۹۸۴-۱۹۸۵<sup>۲</sup> فرو ریخت. در حال حاضر تنها ته‌ستون مناره شمال غربی باقی مانده است (M6، تصویر ۲). همینطور از مدرسه گوه‌رشاد، که اندکی دورتر و در جبهه شمال شرقی مسجد ساخته شده، تنها مقبره و یکی از مناره‌ها پابرجا است. (M5، تصویر ۱)<sup>۳</sup>

از بسیاری جهات، مجتمع گوه‌رشاد در واقع بیشتر به واسطه متون و کتب شناخته شده است تا بقایای معماری آن. از این مجموعه در اوایل قرن پانزدهم و نیز اوایل قرن شانزدهم م. در چندین منبع فارسی نام برده شده (می‌توان اشاره نمود به آثار فصیح خوافی، سمرقندی، خواندمیر یا میرخواند) که اطلاعات بنیادینی را در اختیار ما قرار می‌دهد، گرچه این اطلاعات ممکن است برای بازسازی کامل معماری مجتمع کافی نباشد.<sup>۴</sup> گزارش‌های قرن ۱۹ م. نمایی از این مکان را در مراحل اولیه تخریب آن نشان می‌دهد.<sup>۵</sup> در مطالعات متعدد، از این منابع مختلف برای ایجاد یک چارچوب تاریخی و ترسیم طرح کلی معماری مجتمع معروف گوه‌رشاد استفاده شده است. در دهه ۱۹۳۰، اریک شرودر بازسازی این مجتمع را بر مبنای توصیفات اروپاییان و بر اساس طرح‌ها، نقشه‌ها و حکاکی‌های آنها، پیشنهاد کرد.<sup>۱</sup> هنوز هم کارهای او مبنایی

۱. به نقل از Knobloch، باستان‌شناسی و معماری افغانستان، ۱۳۳.

۲. به ویژه به گزارش ۳۱ اکتبر ۱۹۸۶ سازمان ملل متحد، مجمع عمومی، A/41/778 هرات، شهر هنر و تاریخ، قربانی مراجعه کنید. در آن زمان فقط پایه مناره ایستاده بود.

۳. مناره به نام‌های M1، M2، M3 و M4 متعلق به مدرسه سلطان حسین باقرا در هرات است.

۴. داده‌های معماری موجود در این روایات تاریخی در: آلن، فهرست نام‌های توپونی، اوکین، معماری تیموری در خراسان؛ و گلمبک و ویلبر، معماری تیموری بررسی شده است.

۵. برای مراجع بیشتر، به یادداشت ۵ مراجعه کنید.

۱. شرودر با دونالد ویلبر برای کمیته مؤسسه هنر ایرانیان آمریکا، ۱۹۳۶-۱۹۳۷. کن ویلبر، "موسسات تحقیقاتی"; بال، روزنامه باستان‌شناسی افغانستان، ۱۲۳؛ پاپ، بررسی هنر ایرانی، دوم، شکل. ۴۰۴. همکاری کرد.

برای دیگر تلاش‌ها در راستای بازسازی این مجموعه است. پس از مطالعاتی که در دهه‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ توسط گویا اعتمادی منتشر شد، در ادامه در دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۰، مطالعاتی توسط «فکری سلجوقی» - برادرزاده جنجالی سراج‌الدین - انجام گردید. مطالعات و آثار تری آلن، برنارد اوکین، لیزا گلمبک و دونالد ویلبر نیز منجر به ارتقای دانش ما در مورد مجتمع گوهرشاد در هرات در بالاترین سطح ممکن شده است. (همه در دهه ۱۹۸۰ منتشر شده‌اند)<sup>۱</sup>



شکل ۲. کتیبه پی مرمر از مجموعه گوهرشاد در هرات (H. 95؛ L. 220 سانتیمتر) که اکنون در موزه ملی هرات - ارگ اختیارالدین نگهداری می‌شود.

از زمان انجام پژوهش اخیر، شرایط سایت بیشتر از قبل رو به انحطاط رفته است. پیامدهای تهاجم شوروی (۱۹۷۹-۱۹۸۹) دسترسی به آن را دشوار کرد: در اواخر

۱. به کتاب: اعتمادی، ادب نفیسه‌ای هرات، گنبد سبز و مسجد جامع هرات؛ آلن، فهرست نامها، و هرات تیموری؛ اوکین، معماری تیموری در خراسان؛ گلمبک و ویلبر، معماری تیموری. رجوع کنید. روایت سراج‌الدین چندین دهه پس از دیدار وی توسط برادرزاده اش فکری سلجوقی ثبت شده است. با توجه به اینکه سراج‌الدین تنها ۱۴ سال داشته که از آن مکان دیدن کرده است، توصیف وی جای شک دارد که دقیق باشد. او ممکن است برای تأیید توصیف خود به منبع متنی تکیه کرده باشد، اما آن را نقل نمی‌کند. برای بحث در مورد این منبع بحث برانگیز، رجوع کنید به: اوکین، معماری تیموری در خراسان، ۱۶۷-۷۵. روایت سراج‌الدین را سلجوقی، خیابانان، ۱۷-۲۰ آورده و در آلان، فهرست نام‌های توپونی، ۱۱۳-۴ و ۱۲۳-۴ به انگلیسی ترجمه شده است.

دهه ۱۹۸۰، این مکان حاوی مین‌های زمینی بود، سپس جنگ داخلی (۱۹۸۹-۱۹۹۶) و به دنبال آن ورود طالبان (۱۹۹۶-۲۰۰۱) ادامه مطالعات در این مجموعه را غیرممکن نمود.<sup>۱</sup> بازسازی این منطقه از سال ۲۰۰۱ آغاز گردید<sup>۲</sup> و چند پروژه مرمت و اکتشاف بدون هیچ‌گونه مطالعات آکادمیکی انجام شد.<sup>۳</sup> در طول سال‌ها، هزاران قطعه دیوارپوش، که از مجموعه‌های گوهرشاد یا سلطان حسین بایقرا افتاده بود، بدون هیچ‌گونه بررسی‌ای در داخل مقبره گوهرشاد جمع‌آوری و بر روی هم انباشته شده بود. در سال ۲۰۱۵، یونسکو این مصالح ارزشمند را به موزه ملی هرات - ارگ اختیارالدین منتقل نمود و هیئت باستان‌شناسی فرانسه در افغانستان را (آژانس مین‌زدایی برای افغانستان "دافا"، کابل) موظف به طبقه‌بندی، ثبت و مطالعه این مصالح (اعم از تقریباً ۱۲۰۰۰ قطعه پوشش تزئینی دیواری، عمدتاً کاشی) کرد. برخی از این قطعات را متعلق به مجتمع گوهرشاد تشخیص داده‌اند. در جریان پاک‌سازی و مرمت ته‌ستون مناره مدرسه (M5) که در سال ۲۰۱۷ به عنوان بخشی از پروژه تثبیت‌سازی آغاز شده بود، مجموعه‌های جدیدی از کاشی نیز کشف گردید.

اگرچه این مصالح تا حد زیادی از بدنه و زمینه اصلی خود جدا شده‌اند، اما به طور کل حاوی اطلاعات مهمی درباره این سایت تاریخی و نیز کاشی‌کاری تیموری

۱. در این دوره، یونسکو کارشناسانی را مأمور ارزیابی کرد. آندریا برونو دو گزارش در سال‌های ۱۹۸۳ و ۱۹۹۰ نوشت. فلمینگ آلوند بررسی سریعی از بناهای تاریخی هرات و اطراف آن تهیه کرد. کارهای حفاظتی اولیه در سال ۱۹۹۶ بر روی گنبد گوهرشاد توسط اداره محافظت بناهای تاریخی هرات با حمایت برنامه جهانی غذا انجام شد (SPACH): 5 [1996].

۲. در سال ۲۰۰۱ دیواری در اطراف مجتمع گوهرشاد ساخته شد و این منطقه به یک باغ عمومی تبدیل شد (رجوع کنید به: جاوید، "احیای مصلا").

۳. رجوع کنید به: آثار سانتانا کوینترو ماریو سانتانا-کوینترو، استاد دپارتمان مهندسی عمران و محیط زیست و استیونز، «ابزارهای بررسی متریک»: شهری، «هرات: مدرسه گوهرشاد».

هستند، چراکه مجتمع گوهرشاد گرچه در اغلب منابع مطالعاتی مربوط به هرات مطرح شده، اما تزینات معماری آن هرگز موضوع مطالعه واقعی نبوده است. بنابراین هدف در اینجا مرور تاریخچه مجتمع گوهرشاد از طریق این منابع و یا ارائه پیشنهادی در جهت بازسازی کل مجموعه، نیست. بلکه این پژوهش بر آن است تا از طریق تجزیه و تحلیل آن دسته از قطعات کاشی که هنوز در جای خود باقی هستند، و با چیدمان مجدد گروه‌های خاصی از کاشی که در حال حاضر از بدنه اصلی جدا شده‌اند و نیز با بررسی سازه‌هایی که اکنون اثری از آنها نیست؛ تکنیک‌ها و انواع تزینات به کار رفته در مجتمع گوهرشاد را مورد توجه و بررسی قرار دهد.

### احداث مصلی گوهرشاد

در حالی که امروزه از مجتمع وسیع ساخته شده توسط گوهرشاد (تصویر ۱)، تنها بخش کوچکی باقی است، به کمک منابع مکتوب و قسمت‌های کلی که تاکنون حفظ شده، امکان بررسی مجدد زمان ساخت بنا فراهم شده است. در اینجا به اختصار برخی از مهم‌ترین این دلایل را یادآور می‌شویم.

مسئول معماری و ساخت این بنا قوام‌الدین بن زین‌الدین شیرازی معروف بود.<sup>۱</sup> زمان تأسیس این مجتمع به خط ثلث زیبایی بر روی سنگ مرمر حجاری شده و در چهار کتیبه ثبت گردیده است (امروزه در موزه ملی هرات، نگهداری می‌شود، تصویر ۲). این کتیبه نشان می‌دهد که بنا در روز ۲۷ ماه رمضان ۷ نوامبر ۸۲۰ ق. و در دوره

۱. سمرقندی و میرخواند از او یاد کرده‌اند، به ویژه به مطالعات ویلبر، قوام‌الدین و بابایی، قوام‌الدین شیرازی مراجعه کنید.

سلطنت شاهرخ و با اقدام گوهرشاد به عنوان بانی، آغاز شده و در سال ۸۴۰-۸۴۱ ق. به اتمام رسید.<sup>۱</sup> متن کتیبه با امضای خطاط «جلال جعفر» خاتمه می یابد.

بنابراین ساخت این مجموعه بیش از ۲۰ سال طول کشید. اما ساختمان‌های مختلف موجود در بنا، پیش از افتتاح آن در سال ۸۴۰-۸۴۱ ق. مورد استفاده قرار می گرفت. تزیینات مقبره موجود در مدرسه، که در سال ۸۲۷ ق.، اولین متوفی در آن به خاک سپرده شده بود، ده سال بعد یعنی در زمان مرگ بایسنقر تیموری متوفی ۸۳۷ ق. تجدید گردید.<sup>۲</sup> با وجود این، مورخ و وقایع نگار تیموری، عبدالرزاق سمرقندی متوفی ۸۸۷ ق.، سال ۸۳۶ ق. را به عنوان اولین تاریخ رسمی اتمام ساخت مدرسه ذکر کرد.<sup>۳</sup> خطبه‌های نماز ابتدا در مدرسه خوانده می شد نه در مسجد.<sup>۱</sup> دلیل این امر، بر اساس کتیبه حجاری شده از مرمر که بر روی مناره‌ها دیده می شود (و اکنون قطعات آن پراکنده شده است)، نشان می دهد که در سال ۸۳۹-۸۴۰ ق.، سه سال تا اتمام

۱. ترجمه این کتیبه توسط نیدرمایر، افغانستان، ۵۹. آلن، فهرست نامهای توپونی، ۱۲۲-۳؛ کلاوس-پیتر هاسه در فرانکه، موزه ملی هرات، ۲۳-۴. ارائه شده است در این کتیبه بنای (عمارات) ذکر شده است اما مشخص نیست که مربوط به مسجد است یا مدرسه

۲. شعری (امروزه از بین رفته) مربوط به مرگ بایسنقر (متوفی ۸۳۷/۱۴۳۳) مقبره را تزئین کرده است. سراج الدین مدعی شد که آن را در ۱۸۸۵ دیده. رجوع کنید به: آلن، فهرست نامهای توپونی، ۱۲۳-۵. این شواهد نشان می دهد که تزیینات معماری پس از ۱۴۳۲/۸۳۶ هنوز در حال پیشرفت بوده است.

۳. رجوع کنید به مطالعات آلن، فهرست نامهای توپونی، ۱۲۲؛ و اوکین، معماری تیموری در خراسان، ۱۶۷ (بر اساس سمرقندی و میرخواند).

۱. در ۸ صفر ۱۳/۸۳۶ اکتبر ۱۴۳۲، از آلن، فهرست نامها، ۱۲۲ پس از سمرقندی، کتاب مطلب السعدین و مجمع البحرين (طلوع ستارگان و اتصال دو دریا) اثر عبدالرزاق بن اسحاق سمرقندی ۷-۶۴۵ نقل شد. در کتاب فصیح در مورد وفات ۱۴۳۴-۱۴۳۵ مولانا شمس الدین محمد، پیشوای (امام خطیب) در مسجد و معلم (مدرس) در مدرسه گوهر شاد نوشته شده (فصیح، مجمع فصیحی، ۲۷۵؛ نک. همچنین اوکین، معماری تیموری در خراسان، ۱۶۷)؛ این بدان معناست که مدرسه در آن زمان فعال بوده است.

ساخت مسجد باقی بوده است (تصویر ۳)<sup>۱</sup> بنابراین، تنها چند ماه قبل از مرگ معمار آن (متوفی شعبان ۸۴۲ ق. افتتاح آن در ۸۴۱-۸۴۲ ق. ظاهراً نشان دهنده اتمام کار اصلی ساخت مجتمع بود. گاه شماری این مجموعه به ما یادآور می‌شود که تاریخ‌های ارائه شده در رابطه با تکمیل بنا صرفاً به معنی نهایی شدن تزئینات آن و یا حتی آغاز استفاده از قسمت‌های مختلف بنا نیست.



شکل ۳. سه تخته‌سنگی که از مسجد جامع گوهرشاد به دست آمده، اکنون در صحن مقبره خواجه عبدالله انصاری در گازرگاه نگهداری می‌شود.

اگر روایت اسفزاری را قبول کنیم، این مسجد در زمان مرگ گوهر شاد ۸۶۱ ق. هنوز به طور کامل به پایان نرسیده بود.<sup>۱</sup> او همچنین می‌افزاید که در زمان سلطنت

۱. لوحه‌های تشکیل دهنده این کتیبه امروزه در اطراف گازورگاه و همچنین در میان چندین مجموعه موزه پراکنده شده است (به ویژه به موزه ملی در هرات و موزه اسلامی - موزه ستلیش برلین مراجعه کنید). بازسازی و ترجمه آن توسط اوکین، معماری تیموری در خراسان، ۱۷۰-۱۸۰ ارائه شده است.

۱. اسفزاری، روضات الجنات، ۳۴-۵، تا حدی به انگلیسی ترجمه شده در: G گلمبک و ویلبر، معماری تیموری و I، 304. روایت او فرض می‌کند که بنای یادبود در زمان حیات گوهر شاد تقریباً تکمیل شده است، به جز تزئینات معماری.

سلطان حسین تیموری (حک: ۹۱۲/۹۱۱ ق. / ۸۷۴-۸۷۵ ق.) ده مسجد در آن منطقه مورد مرمت قرار گرفته، اما مشخص نمی‌کند که آیا مسجد گوهرشاد نیز در میان آنها بوده است یا خیر.

در رابطه با احداث مصلی گوهرشاد، اهداف و دلایل مختلفی به آن نسبت داده شده است. در روایت‌های مختلفی از اروپاییان قرن نوزدهمی، ادعا شده که جاه طلبی گوهرشاد برای دریافت نذورات امام رضا (ع) و بالتبع ایجاد یک مسیر زیارتی از مشهد مقدس به سمت هرات یکی از آنها بوده است.<sup>۱</sup> تری آلن تأسیس این مجموعه را جایگزین نمودن مسجد گوهرشاد به جای مسجد جامع هرات تفسیر کرد.<sup>۲</sup> با این حال، به نظر نمی‌رسد هیچ کدام از این نظریه‌ها مورد تأیید قرار گیرند. گرچه، یکی از اهداف غیرقابل انکار در پس ساخت مجتمع گوهرشاد، قرار دادن مقبره‌های خاندان سلطنتی در آن بود.

بین سال‌های ۸۲۷ ق. و ۸۹۸ ق. / ۸۴۲ ق. چهار نسل از خانواده گوهرشاد در مقبره‌ای که به سفارش وی ساخته شده بود، به خاک سپرده شدند. همسرش، سلطان شاهرخ، در ۲۵ ذی الحجه ۸۵۰ ق. کشته شد، قبل از انتقال وی در ۸۵۲/۸۵۳ ق. به گورامیر در سمرقند که به دستورالغ بیگ صورت گرفت، در گنبد «کوپولا» مدرسه دفن شده بود. سه تن از فرزندان آنها نیز در این مقبره دفن شده‌اند، از جمله بایسنغر سلطان تیموری (۸۳۶/۸۳۷ ق.). نوادگان و فرزندان خود بایسنغر شامل سه تن

۱. ر.ک: به سفرنامه آرتورکونولی، صفحه، ۱۹؛ فریر، سفرهای کاروان، ۱۷۹؛ و لعل، سفرها، ۲۵۷. با این حال، همه آنها شاهدان امروزی هستند و به نظر می‌رسد هیچ مدرکی این ایده را تأیید نمی‌کند.

۲. ر.ک: آلن، فهرست نام‌های توپونی، ۱۱۳؛ گل‌مبک و ویلبر، معماری تیموری، اول، ۳۰۴.



از فرزندان او و دو نوه او، پسران علاءالدوله نیز در همین مکان دفن شدند.<sup>۱</sup> همچنین یکی دیگر از نوادگان گوهرشاد، یعنی پسر الغیبیگ نیز در این آرامگاه مدفون است.<sup>۲</sup>

این مقبره علاوه بر اینکه محل دفن نوادگان خود گوهرشاد است، سایر اعضای خانواده او همچون برادرش امیر صوفی ترخان، نوه وی و حتی نبیره تیمور از

۱. مقبره های مرتبط با مقبره گوهر شاد به خوبی در: آلن، فهرست نام های توپونی، ۱۲۶-۹ مورد مطالعه قرار گرفته اند. گفته می شود سلطان بایسنقر در گنبد علی دفن شده است. دو فرزند دیگر شاهرخ و گوهر شاد عبارتند از میریام سلطان بیگی (متوفی ۱۴۴۱/۸۴۵-۱۴۴۲) و میرزا محمد جوخی (متوفی ۱۴۴۴/۸۴۸-۱۴۴۵) که گفته می شود در زیر «گنبد» مدرسه مدفون است. رجوع کنید به: بیت، «کتابهای رسمی در مصلی»، ۲۹۲: آلن، فهرست توپونیم، ۱۲۶؛ و گلیمبک و ویلبر، معماری تیموری، I، ۳۰۳. فرزندان بایسنقر عبارتند از: علیشاه بیگی (متوفی ۱۲ شعبان ۸۴۴/۱۵ ژانویه ۱۴۴۱)، محمد میرزا (مدفون در زیر گنبد خوابگاه (gunbad-i khvabgah) پدرش پس از کشته شدنش در ۱۴۵۱/۸۵۵ توسط برادرش ابوالقاسم بابر و علاءالدوله که ظاهراً در ۱۴۶۰/۸۶۰-۱۴۶۱ در منطقه خزر درگذشته است، اما سنگ قبر او حکایت از مرگ او در ۶ ذی الحجه ۸۶۳ / ۱۳ اکتبر ۱۴۵۹ دارد. اما در ۲۱ صفر ۸۶۵/۱۵ دسامبر ۱۴۶۰ در مدرسه به خاک سپرده شد. نوه های او میرزا بایسنقر (متوفی جمادی اول ۸۶۰/فوریه-مارس ۱۴۵۶) و ابراهیم سلطان (متوفی ۱۴۵۹/۸۶۳) هستند که گفته می شود جسد او در ۶ شوال ۸۶۳/۱۵ اوت ۱۴۵۹ به گنبد مدرسه برده شد. رجوع کنید به: آلن، فهرست نام های توپونی، ۱۲۶-۷؛ و همچنین: بیت، «کتابهای رسمی در مصلی»، ۲۹۲-۳؛ من تیمادی، «گنبد سبز»، ۱۷، و ادب نفیسه بی هرات، ۴۲.

۲. میرزا محمد جوکی ب. عبداللات اگر ب. اولوغ بیگ که در سال های ۱۴۶۳/۸۶۸-۱۴۶۴ هنگامی که در قلعه اختیار الدین هرات زندانی بود درگذشت. رجوع کنید به: آلن، فهرست نام های توپونی و من تیمادی، «گنبد سبز»، ۱۸، و ادب نفیسه بی هرات، ۴۵.

نسل میرانشاه را نیز، در خود جای داده است.<sup>۱</sup> جسد خود گوهرشاد که توسط سلطان تیموری ابوسعید در رمضان ۸۶۱ ق. اعدام شد نیز، در همین مقبره آرمیده است.<sup>۲</sup>

## نمای کلی معماری مصلی

### مسجد گوهر شاد

آنچه امروز از مسجد گوهرشاد باقی مانده است، ته‌ستون یک مناره (M6، تصویر ۸) و پاره‌ای توصیفات مربوط به قرن نوزدهم است که البته در آن دوره، مصلی به شدت تخریب شده بود. مناره M6 گوشه شمال‌غربی مسجد را نشان می‌دهد (تصویر ۱). این مناره از یک پایه دوازده‌ضلعی با یک ستون بلند و مخروطی شکل تشکیل شده است. دسترسی به پلکان داخلی مناره از طریق یک درگاه طاقی نوک‌تیز در سطح بالای دیوارهای اطراف مسجد صورت می‌گرفت.<sup>۳</sup> قرارگیری این درب به سمت جنوب شرقی بوده است. تا همین اواخر محل قرارگیری دیوارهای جنوبی و شرقی، مشخص بود. تقاطع این دو دیوار، زمانی گوشه مسجد را شکل می‌داد که مناره‌ای در این قسمت واقع شده بود. همچنین به دلیل عدم وجود تزیینات مرمری و کاشی‌کاری، وجود این دیوارها مورد تأیید قرار گرفته است. پلکان مارپیچی مناره به بالکنی راه داشت که مؤذن از آنجا

۱. نوه امیر صوفی ترخان، امیر محمد بن امیر محراب ترخان (متوفی محرم ۸۴۴ / ژوئن ۱۴۴۰) نام داشت. نوادگان میرانشاه میرزا معین‌الدین شاهرخ بن سلطان ابوسعید بود که در سال ۱۴۹۳/۸۹۹-۱۴۹۴ در ساری درگذشت، اگرچه سنگ قبر او حاکی از مرگی است که در ۱۵ شوال ۸۹۸/۸ اوت ۱۴۹۳ روی داده است. رجوع کنید به: خواندمیر، قسمت اول. چنگیز خان، ۴۰۳-۴۰۴؛ آلن، فهرست نام‌های محلی، ۱۲۶ و ۱۲۸.

۲. گوهرشاد تنها متوفی است که در منابع متنی ذکر نشده است. درباره مرگ او ر.ک: فوربس مانز ۲۰۰۲: ۱۸۱؛ من تیمادی، «گنبد سبز»، ۱۷. درباره سنگ قبر او نیز نگاه کنید به: بیت، «کتیبه‌های رسمی در مصلی»، ۲۹۳؛ «۲۹۳؛ آلن، فهرست نام‌های محلی، ۱۲۸-۹؛ و اوکین، معماری تیموری در خراسان

۳. در زیر این سطح، مناره مستحکم است.

می‌توانست اذان را اقامه کند. این بالکن بر روی تیرهای چوبی مقرنس‌کاری شده‌ای قرار داشت و مسلماً توسط نرده‌ای محافظت می‌شده که در حال حاضر اثری از آن باقی نمانده است. چند متر بالاتر از درب منتهی به بالکن، بقیه مناره تخریب شده است. به نظر می‌رسد راه پله بالاتر از سطح بالکن ادامه داشته، اما نمی‌دانیم که به چه سازه‌ای منتهی شده است. این احتمال وجود دارد که همانند مناره مدرسه گوهرشاد، این مناره نیز دارای دو بالکن بوده باشد.<sup>۱</sup> در دهه ۱۹۳۰، از پایه مناره در ساختمان یک مدرسه جدید استفاده شد.<sup>۲</sup> شلیک خمپاره روسیه در سال ۱۹۸۵ تمام آثار ساختمان جدید را محو نموده و منجر به تخریب بخش بزرگی از ستون مناره شد.



تصویر ۴. نقاشی مسجد گوهرشاد منتشر شده در «اخبار مصور لندن»، ۱۳ ژوئن ۱۸۶۳

۱. لعل توضیح می‌دهد که او در مسجد گوهرشاد «به اشکوب دوم مناره بالا رفت» (لال، سفرها، ۲۵۷-۸). این «دو طبقه» ممکن است سطوح بالکن باشند، اما طبقه دوم امروز ناپدید شده است.  
 ۲. رجوع کنید به: هاچ ولف، هرات، ۳۸.

برای استنباط ساختار فضایی مسجد گوهرشاد - که چند سالی است توسط یک ساختمان بتنی مدرن پوشانده شده - امروز باید به توصیفات قرن نوزدهمی و مطالعاتی که توسط برنارد اوکین، لیزا گلمبک و دونالد ویلبر انجام شده، بسنده کنیم.<sup>۱</sup> بدین ترتیب آن‌ها مسجد را به شکل اولیه‌اش که بر اساس ساختار «چهار ایوانی» بوده، طرح‌ریزی و احیا کردند. این ساختمان یک فضای مستطیل‌شکل وسیع (۱۰۶ × ۶۴ m<sup>34</sup>) را تشکیل می‌داد<sup>۲</sup> که جهت آن شرقی-غربی بود. در هر یک از زوایای بیرونی مسجد، یک مناره قرار داشت.<sup>۳</sup> ورود به این ساختمان از طریق پیش‌تاق بلندی که در سمت شرق قرار داشت انجام می‌شد و نمای خارجی توسط دو مناره در بر گرفته شده بود (شکل ۴).<sup>۴</sup> به نظر می‌رسد دیوار شرقی مسجد از اتاق‌های گنبدی‌شکل تشکیل شده باشد که با دو شبستان از هم جدا شده است که شکل دقیق آنها مشخص نیست.<sup>۵</sup> اتاقک گنبدی مرکزی، در محور پیش‌تاق، (صحن مسجد) به عنوان هشتی هشت‌ضلعی

۱. رجوع کنید به: آلن، فهرست نام‌های توپونی، ۱۱۳-۵ و ۱۲۲-۹؛ اوکین، معماری تیموری در خراسان، ۱۶۷-۷۷؛ و گلمبک و ویلبر، معماری تیموری، اول، ۳۰۲-۳۰۵. توصیفات آنها اساساً بر اساس نوشته‌های بیت، شمال افغانستان، ۳۰؛ و لعل، سفرها، صفحات ۲۵۷-۸ است.

۲. ابعاد توسط پوگاچنکووا، در شاهکارهای معماری، ۱۲۸ ارائه شده است.

۳. به یکی از سنگ‌نگاره‌های منتشر شده در اخبار مصور لندن، جلد ۴۲ (۱۸۶۳)، ۱۳ ژوئن، رجوع کنید که به صورت آنلاین: [http://www.phototheca-](http://www.phototheca-browserscache=1&txafghanica.ch/index.php?id=35&no)

[browserscache=1&txafghanica.ch/index.php?id=35&no](http://www.phototheca-browserscache=1&txafghanica.ch/index.php?id=35&no)  
[pi1%5BshowUid%5D=845&cHash=1c9cba14f0](http://www.phototheca-pi1%5BshowUid%5D=845&cHash=1c9cba14f0) (آخرین دسترسی ۲۰۱۷ فوریه) قابل دسترسی است

. اثری از مناره جنوب شرقی هنوز بر روی زمین قابل مشاهده است، اما هیچ ساختاری مشخص نیست.

۴. همچنین به سنگ‌نگاره‌های مرز افغانستان بریتانیا نوشته توماس هولدیج، و به «مصلا و مقبره» منتشر شده و اوکین، معماری تیموری در خراسان، pl. رجوع کنید. ۱۴.۲، و آنلاین: [http://www.phototheca-](http://www.phototheca-afghanica.ch/typo3temp/GB/c4b80c7cbb.jpg)

[afghanica.ch/typo3temp/GB/c4b80c7cbb.jpg](http://www.phototheca-afghanica.ch/typo3temp/GB/c4b80c7cbb.jpg) (آخرین دسترسی ۲۵ فوریه ۲۰۱۷) رجوع کنید.

۵. این نوع چیدمان با سه حجره گنبدی شکل که توسط شبستان از هم جدا شده اند در مدرسه غیاثیه خرگرد (ایران) دیده می‌شود.

عمل می‌کرد و از طریق یک ایوان کوچک به حیاط مسجد باز می‌شد<sup>۱</sup> که توسط دو راه‌پله احاطه شده و به یک سری از اتاق‌های کوچک در طبقه بالا دسترسی داشت.<sup>۲</sup> در مرکز هر یک از سه نمای دیگر نیز یک ایوان وجود داشت. در سمت غرب ایوان اصلی یک اتاق گنبدی بزرگ قرار داشت که خود آن نیز با یک اتاقک گنبدی دیگر با ابعاد کوچک‌تر وسیع‌تر می‌شد.<sup>۳</sup> در هر طرف این طرح، شرودر (Schroeder) دو نمازخانه مستطیلی شکل ستون دار قرار داده است.<sup>۴</sup>

### مدرسه گوهر شاد

اگرچه این مدرسه اغلب در منابع متنی با اشاره به تدفین‌های فراوانی که در آنجا انجام شده ذکر شده است، اما فضای آن هرگز به اندازه فضای مسجد توصیف نشده است. اما بنای یادبود ساخته شده توسط گوهر شاد ظاهراً طرحی مشابه با مسجد داشته است.<sup>۵</sup> این عمارت مستطیل شکل که جهت آن شرقی-غربی است، در سمت شرق با پیشتاق بلندی که در هر انتهای نما توسط مناره احاطه شده است، باز می‌شد.<sup>۶</sup> فقط مناره

۱. سراج‌الدین هشتی شش‌ضلعی را توصیف کرده است (ترجمه آلن، فهرست نامهای توپونی، ۱۲۳). اوکین این را به هشتی هشت ضلعی تصحیح کرد (اوکین، معماری تیموری در خراسان، ۱۶۸-۹).

۲. آلن، فهرست نامهای محلی، ۱۲۳.

۳. لعل با بازدید از محل در سال ۱۸۳۳ توضیحات زیر را ارائه می‌دهد: این مکان با چهار مناره بلند و دو طاق رفیع مزین شده است که مربع زیبایی هفتاد و پنج قدمی را می‌سازد (...). پس از گذشتن از میدان وارد گنبدی رفیع شدیم که ما را برآن داشت از پنج پله بالا برویم و وارد اتاقی طلایی و رنگ‌آمیزی شویم که گوهر شاد در آنجا نماز می‌خواند. (لعل، سفرها، ۲۵۷-۸)

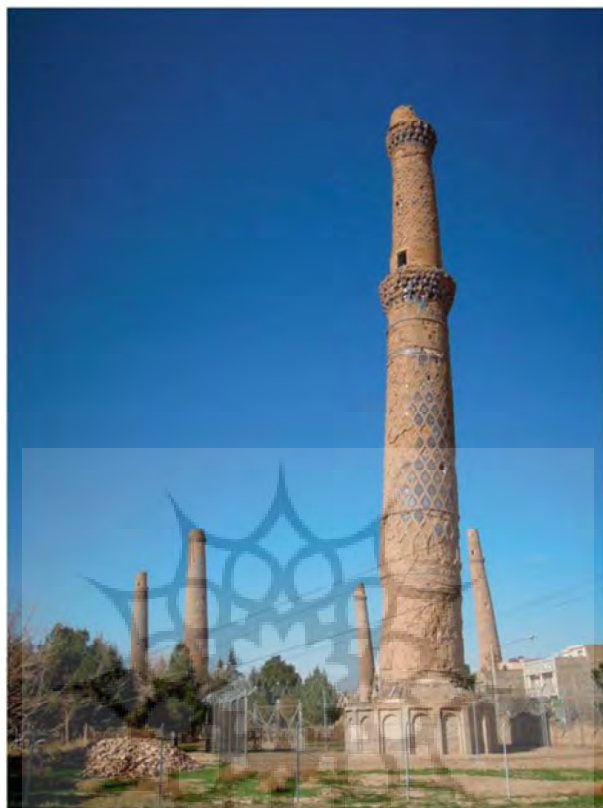
۴. استرداد به نقل از اوکین، معماری تیموری در خراسان، pl. 14.1.

۵. سراج‌الدین می‌گوید: «این مسجد جامعی مانند مدرسه مذکور بود» (در: آلن، فهرست نام‌ها، ۱۱۳).

۶. نقاشی‌های هولدیج و طاووس تکه طاقی را نشان می‌دهد که احتمالاً مربوط به پیشتاق ورودی است (هولدیج، مصلی و مقبره).

جنوب شرقی (M5) هنوز پابرجاست (شکل ۱ و ۵). این یک ساختار مخروطی بر روی یک پایه دوازده ضلعی است که تا ارتفاع ۴۲.۴ متر از هر آسیبی حفظ شده است. قبل از اینکه در دهه ۱۹۵۰ در یک سازه آجری محصور شود، پایه آن قطری در حدود ۶ متر داشت.<sup>۱</sup> در اینجا بار دیگر، در به سمت پله تنها از بالای دیوار بیرونی مدرسه قابل دسترس بود. آثاری از محل فروریختن این دیوارها را می‌توان مشاهده کرد که از طریق سطح نامنظم مناره در این منطقه و هم از غیاب تزئینات آجری و کاشی در امتداد دیوارهای ناپدید شده، آشکار می‌شود. همچنین توجه به سوراخ‌های به‌جا مانده از تیرهای چوبی در بخش‌هایی که دیوار تخریب شده نیز جالب است. این‌ها باید برای ایجاد نبشی در دیوارهای مناره حداقل در چهار سطح باشد. این نظام (گوشه‌سازی) نبشی‌های افقی باید انسجام بین دیوار بیرونی و این مناره پیش‌آمده را تقویت کند. در سمت شمال‌غربی بوده و سردر آن نیز به شکل طاقی نوک‌تیز است. پلکان ماریچ که در اطراف مرکز مناره ساخته شده است به اولین بالکن منتهی می‌شود که در حدود ۲۷.۴ متر بالاتر از سطح زمین قرار دارد. دیواره آن دیگر در جای خود نیست، اما سنگ‌بند تزئین شده با مقرنس که روی آن قرار گرفته، هنوز به‌خوبی حفظ شده است. بالکن دوم نیز با همان طرح در حدود ۳۹.۷۵ متر از زمین وجود دارد. قله مناره نیز ناپدید شده است و هیچ اثری از ساختار بیرونی که سازه را پوشانده برجای نمانده است.

۱. تاریخ دقیق ساخت این حلقه که با طاقچه‌های بی‌روزنه جدا شده است مشخص نیست. این بنا مدت‌ها پس از تخریب آخرین دیوارهای مدرسه ساخته شد و هدف آن تثبیت مناره بود که به طرز خطرناکی به سمت جنوب شرقی متمایل می‌شد. سپس سازه‌های جدیدی برای مقابله با خطر سقوط مناره ساخته شد. از سال ۲۰۰۳، توسط سیستمی از کابل‌های که در بلوک‌های بتنی محکم لنگر انداخته‌اند، نگه داشته شده است. (نگاه کنید به: منهارت، «حکیمیت یونسکو»، ۲۶۱)



شکل ۵. نمایی از مناره جنوب شرقی مدرسه (M5)، با چهار مناره مدرسه سلطان حسین در پشت آن.

در حالیکه هیچگونه آثار سطحی (بقایای بیرونی) از مناره مشخص کننده گوشه شمال شرقی مدرسه وجود ندارد، کمپین سریع کاوش‌های باستان‌شناسی، در سال ۲۰۱۰ توسط شرکت **Th. Urban & Partner** به درخواست یونسکو، امکان کشف پایه‌های آن را فراهم کرد. این‌ها (این پایه‌ها) از سنگ‌های فرورفته در ملات آهک ساخته شده‌اند. قطر پی مناره بزرگتر از پایه آن و کمی نامنظم است (قطری بین ۷/۷۵ تا ۸/۲۵ متر). ارتفاع پایه آن ۳.۸ متر بود. این حفاری، پایه‌های دیوار اطراف مدرسه را

نیز نمایان کرد. این پایه‌ها از طرح مناره‌ها پیروی می‌کنند، اما به نظر می‌رسد کم‌عمق‌تر بوده و تنها ۱.۶ متر ارتفاع دارند.



شکل ۶. مقبره گوهرشاد از جنوب غربی

موقعیت این دو مناره و مقبره گوهرشاد ما را قادر می‌سازد تا مدرسه‌ای مستطیل شکل را بازسازی کنیم که مرز بیرونی آن از شرق به غرب ۸۳ متر و از شمال به جنوب ۶۰.۷۵ متر است.<sup>۱</sup> صحن مدرسه دارای طرحی بر اساس چهار ایوان بوده است،<sup>۲</sup> اما امروزه هیچ اثری از آن دیده نمی‌شود. تنها آرامگاهی باقی مانده (اغلب در منابع به عنوان گنبد توصیف شده است) که تاکنون شش مقبره در آن یافت شده است. این بنای گنبدی شکل، گوشه شمال غربی مدرسه را مشخص می‌کرد. عکس‌های گرفته شده توسط بایرون در سال ۱۹۳۳، پیش از آن که بنا به طور قابل توجهی بازسازی شود، نشان می‌دهد که ارتباط بین این فضا و بقیه مدرسه هنوز در آن زمان قابل شناسایی

۱. نتایج در 24، Ibid.

۲. هولدیچ، مصلی و مقبره؛ سراج الدین سلجوقی در: آلن، فهرست توپونی، ۱۱۳.



بوده: نقطه شروع چهار طاق گهواره‌ای که با طاق‌های عرضی از هم جدا شده‌اند هنوز در دیوار شرقی و شکافهای ناشی از برداشتن سازه جنوبی نیز قابل مشاهده بود.<sup>۱</sup>

ظاهر بیرونی امروزی مقبره عمدتاً نتیجه تفسیر مجدد مرمت گرانی است که در دهه ۱۹۵۰ روی این بنا کار کردند. (شکل ۶) حاشیه بیرونی ساختمان در حال حاضر تقریباً مربع است (۱۶.۸ × ۱۶.۱ متر در امتداد اضلاع آن)<sup>۲</sup> و توسط یک ساختمان فرعی مستطیل شکل که محل محراب را مشخص می‌کند به سمت غرب کشیده شده است. دسترسی به آن امروز فقط از طریق دری در نمای شرقی در محور این محراب امکان‌پذیر است. اما این بنا در اصل مربع نبود زیرا به بقیه مدرسه در ضلع شرقی و جنوبی آن چسبیده بود و گوشه جنوب شرقی آن به منظور همخوانی (پیوستگی) با صحن بقعه کوتاه شده بود.<sup>۳</sup> همچنین یک بازشو منتهی به اتاق مجاور به سمت جنوب

۱. به عکس بیرون که در موسسه هنر کورتولد لندن، مرجع A38/315، و همچنین نایدرمایر، افغانستان، pl. 163

(شواهد حذف قطعات در اینجا بهتر دیده می‌شود) و شایب، آلمانی‌ها در هندوکش رجوع کنید. به سایت S. 53, A.

DHE 304 bis 307: <http://www.phototheca->

رجوع کنید به:

afghanica.ch/index.php?id= 35&no  
cache=1&txbrowserpi1%5BshowUId%5D=1566&L=&cHash=bab381ffd628df06b  
a972705c48836f0. (آخرین دسترسی: ۲۵ فوریه ۲۰۱۷).

۲. به گفته پوگانچکوا، شاهکارهای معماری، ۱۲۸.

۳. رجوع کنید به گلمبک و ویلبر، معماری تیموری، II، شکل. ۷۵. محافظان یک راه پله دسترسی به پشت بام را با فضای خالی پر کردند.

و دری در سمت شمالی وجود داشت که دسترسی مستقیم به مقبره از بیرون ممکن می‌شد.<sup>۱</sup>

در نمای داخلی، این سازه از یک چیدمان صلیبی پیروی می‌کند که متشکل است از فضایی مرکزی و مربع‌گونه، و از هر سوی توسط یک طاقچه مستطیل شکل امتداد یافته است و به شکلی متنوع (از ضلع شرقی و قبلاً در جنوب) به یک درب، (در ضلع شمالی و اکنون در جنوب) به یک پنجره و (در غرب که امروزه نیز با پنجره‌ای مرتفع همراه است) به محراب گشوده می‌شود.

از دیدگاه صرفاً معماری، سقف بنا نسبتاً ساده است و از سه فرم اصلی تشکیل شده است. بنابراین مربعی را می‌یابیم که از چهار قوس نوک‌تیز متقاطع تشکیل شده است که در گوشه‌های اتاق به هم می‌رسند. این طاق‌ها یک استوانه هشت‌ضلعی را با استفاده از سه گنچ یا فیلیپوش در هر یک از چهار گوشه نگه می‌دارند. این استوانه به واسطه شانزده سه گنچ کوچک در مرکز هر یک از اضلاع هشت‌ضلعی و در هر گوشه آن، در نهایت به گنبدی دایره‌ای شکل ختم می‌گردد.

شکل ساختار پوششی مقبره با تزئینات مقرنس، گنبدها و نیم‌گنبد در گچبری‌های منقوش به طرز چشمگیری پیچیده‌تر شده که صرفاً به منظور هموارسازی ملایم سطوح متنوع ایجاد شده توسط این سه فرم، از گنبد اصلی به سمت دهانه‌ها در نظر گرفته شده است (شکل ۷). مفهوم‌سازی و تحقق این تزئینات مستلزم صلاحیت و

۱. این معابر شمالی و جنوبی در جریان کارهای مرمتی که در قرن بیستم انجام شد مسدود شد. آن‌ها هنوز در تصاویر گرفته شده در ۱۹۱۶ (نایدرامایر، افغانستان، pl. 163) و ۱۹۳۳ (توسط بایرون، موسسه هنر کورتولد، لندن: نگاتیو A38/315 و A38/318) قابل مشاهده هستند. همچنین ببینید: گلمبک و ویلبر، معماری تیموری، II، شکل ۷۵.

خبرگی در موضوعات و مسائل معماری است. زیرا (طرح بندی) و چیدمان تزئینات و خود سازه به طور ذاتی به هم مرتبط هستند. از این روی این پرسش مطرح می‌گردد که چگونه کارها میان معمار و طراح تقسیم شده است. باید در نظر داشته باشیم که این سازه پوششی (سقف) بیش از هر چیز زینتی (تزیینی) است و از نمای بیرونی غیر قابل مشاهده است، زیرا توسط ساقه (گریو) مدور بلندی محافظت می‌شود که گنبد تزیینی پیازی شکلی را به عنوان پوشش سقف دریافت می‌کند. ساقه (گریو)، گنبد دومی را، در حدفاصل پوشش سقف تا گنبد، پنهان می‌کند که هم از داخل و هم از بیرون غیر قابل مشاهده است و تنها هدف آن استحکام بخشیدن به سازه و ایجاد امکان افزایش قابل توجه ارتفاع بیرونی آن از ۱۰.۸ متر زیر گنبد به ۲۵ متر در قله (نوک) گنبد است.<sup>۱</sup>



شکل ۷. فضای داخلی مقبره گوهر شاد

۱. ارتفاع توسط یوگانچنکوا، شاهکارهای معماری، ۱۲۸ ارائه شده است.

با توجه به قواعد تقارن که بر هنجارهای معماری این دوره حاکم بود، می‌توان گفت که فضایی مشابه این مقبره در گوشه جنوب غربی مدرسه وجود داشته است.<sup>۱</sup>

### کاشی‌های مجتمع گوهرشاد

کاشی و سرامیک ماده‌ای (جسمی) شکننده است. در طول سی سال گذشته، وضعیت حفاظت از دیوارپوش‌های تزئینی مجتمع گوهرشاد حادث شده است. پوشش‌های تزئینی مناره M6 تقریباً همه فرو ریخته و آخرین بقایای تزئینات مسجد باقی مانده است. بیشتر سرامیک‌های (کاشی‌های وابسته به) معماری در همان محل امروزی در مدرسه گوهرشاد، یعنی بر مقبره و اطراف مناره جنوب شرقی آن (M5) قرار دارد که خود بسیار دگرگون شده است. با وجود این، عکس‌های قدیمی مجموعه، امکان بازسازی بخشی از تزئینات این سازه‌ها و بازنشانی (ونصب) تعدادی از قطعات تزئینی جمع‌آوری شده از محل را فراهم می‌کند. با بازسازی توصیفی این پوشش‌های کاشی و سرامیک، متعاقباً شرح تحلیلی این گروه از تزئینات ارائه می‌گردد تا هویت برخی از قطعات مطالعه‌نشده‌ای که تاکنون در محل (سایت) یافت شده‌اند، روشن شود. هدف کلی این تحلیل، برجسته کردن ویژگی‌های تزئینات مجتمع گوهرشاد، و مقایسه آن با چند ساختار مشابه و هم‌عصر آن است.

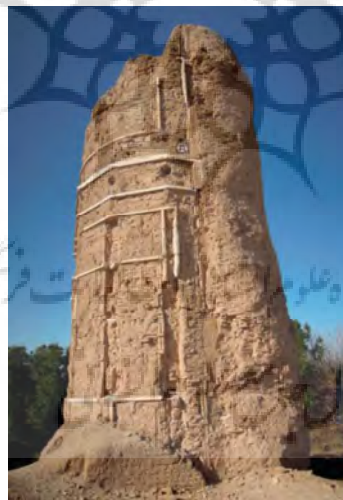
### کاشی‌های مناره (M6) مسجد

زمانی سرتاسر مناره شمال غربی مسجد گوهرشاد به استثنای بخشی که درب منتهی به راه‌پله را در بر می‌گرفت، دارای تزئینات بوده است (شکل ۹). امروزه فقط پایه مناره

۱. در اینجا باید یادآور شویم که آن وجود اتاق تدفین دیگری را فرض کرده بود که احتمالاً در مدرسه برای رسیدگی به بسیاری از دفن‌هایی که در آنجا رخ داده بود، نصب شده بود. رجوع کنید به: آلن، فهرست نام‌های توپونی، ۱۲۶.

حفظ شده است (تصویر ۸)، اما عکس‌هایی که قبل از سقوط آن در سال ۱۹۸۵ گرفته شده، امکان بازگرداندن ویژگی‌های اصلی تزئینات آن را فراهم می‌کند. تزئینات این مناره با تکنیک‌های بسیار متنوعی متمایز می‌شد: کاشی‌های معرق، مرمرها، کاشی‌های تک‌رنگ و کاشی‌های زیررنگی (زیرلعابی).

عکس‌های اسکار فون نیدرمایر از سال ۱۹۱۶ نشان می‌دهد که ازاره مناره در آن زمان از بین رفته که نوار مرمری با کتیبه‌هایی حکاکی شده بر آن که نگهدارنده پایه بنا در سال‌های ۸۳۸/۸۳۹ ق. بودند، (امروزه پراکنده شده، شکل ۳) بر بالای آن قرار داشته است. بخش‌های مختلف تزئین مناره M6 با حاشیه‌های مرمرین مشخص شده‌اند که ترکیب کلی و همچنین بن‌مایه اصلی تزئینات را برجسته می‌کند. این حاشیه‌های مرمرین، امروزه عناصر اصلی تزئین مناره هستند (تصویر ۸ و ۱۰).



شکل ۸. خرابه‌های مناره شمال غربی مسجد گوهر شاد



شکل ۹. مناره M6 در دهه ۱۹۷۰

### کاشی‌های معرق

با وجود این، کاشی‌های معرق، نقش برجسته‌ای در این تزئینات ایفا کرد. عناصر نادری که هنوز در محل هستند (شکل ۱۰)، و همچنین تکه‌هایی که از این مناره به دست آمده‌اند (نمونه‌هایی در شکل ۱۱)، گواه تزئینات بسیار پیچیده‌ای هستند: مقیاس (وسعت) رنگ‌ها بسیار گسترده بود (کبالت، فیروزه‌ای، سیاه، سفید، زرد، سبز و قطعات سفالی بدون لعاب)؛ تزئینات گیاهی (نقوش اسلیمی) بوسیله قطعاتی از

---

۱. درباره تنوع رنگ کاشی‌های معرق، نگاه کنید به: اوبه، سرامیک در معماری، ۳۹-۴۴.

رنگ‌های مختلف پر شده بود و طرح‌های گل‌دار بسیاری داشت و برخی از عناصر تزئینی به ویژه اصلاح شده بودند - مانند خطوط دوتایی که ترنج‌های چندگوشه (چند پر) را مشخص می‌کرد. (به عنوان مثال: شکل ۱۰، پایین را ببینید)

تزئینات به شرح زیر انجام شده است:

- استوانه دوازده ضلعی پایه مناره توسط حاشیه‌هایی با نقوش گیاهی به تعدادی صفحات تزئینی تقسیم شده و سپس با نوارهای کاشی از هم تفکیک شده‌اند.

نقش تزئینی و پرتکرار مناره، یک ستاره هشت‌پر بلند و بسیار کشیده بود که توسط خطوط ضخیم سنگ مرمر حکاکی شده، مورد تأکید واقع شده بود. تزئینات توسط یک قوس تیزه‌دار احاطه و بر بالای گریوی که با خط ثلث تزئین شده، قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

- طرح ستاره بلند هشت‌پر نیز به شکل بارزی در کل بخش بالایی مناره گسترش یافته بود<sup>۲</sup> (شکل ۹). هر ستاره به کمک یک نوار مرمرین شکل گرفته و به این ترتیب، ارتباط بین کاشی و مرمر کل تزئین مناره را مشخص کرد.

- ارتباط بین این دو ناحیه تزئینی توسط یک کتیبه بلند دوگانه (کتیبه مادر بچه) ایجاد شده است که امروزه تنها آثار کمی از آن باقی مانده: کتیبه اصلی با خط ثلث درشتی به رنگ سفید و کتیبه دوم به خط کوفی زرد رنگ و در اندازه کوچکی بر بالای آن قرار گرفته است. (شکل ۹).

۱. آلن این کتیبه را اینگونه خواند: «و تعرفه الوقت» (آلن، فهرست نامهای توپونی، ۱۱۵).

۲. نمایی قدیمی از این تزئین در: هاج ولف، هرات، ۳۹ منتشر شده است.

## کاشی زیرلعابی

دور تا دور این کتیبه، عناصر تزئینی مختلف ارتباطی بین تکنیک‌های متنوع کاشی‌کاری ایجاد کرده و بر نقش برجسته‌ای که این اثر خلق می‌کند نیز، تأثیرگذار است. در نوک قاعده دوازده ضلعی، مناره سابقاً دارای یک صفحه تزئینی بود که خود مزین به تزئینات برگ‌نخلی پهن، ساخته شده از کاشی معرق بوده که همراه با کاشی‌های زیرلعابی لاجوردی بر زمینه سفید به طور متناوب قرار داشت (شکل ۱۲). این کاشی‌های «آبی و سفید» با مجموعه‌ای از نخل‌های سفیدرنگ بر روی زمینه لاجوردی، تزئین شده بودند. هنوز هیچ قطعه‌ای از این کاشی‌های «آبی سفید» در بقایای بنا پیدا نشده است.<sup>۱</sup> این نوع کاشی «آبی و سفید» از این دوره، در معماری ایران و آسیای مرکزی بسیار کمیاب است. نزدیک‌ترین قیاس به لحاظ سبک‌شناختی با این نوع دیوارپوش‌ها را می‌توان در دیوارهای مقبره عشرت‌خانه در سمرقند (حدود ۸۶۸/۸۶۹ ق.، و حتی بیشتر از آن در مسجد جامع گوهرشاد مشهد (۸۲۱ / ۸۱۹ ق.) و نیز در ایوان اصلی مقبره خواجه عبدالله انصاری در گازرگاه (حدود ۸۲۸/۸۲۹-۸۳۲ ق.، شکل ۱۳) یافت.<sup>۲</sup> همانند مسجد هرات، این کاشی‌ها نیز به طرز ماهرانه‌ای، بدون خطوط دورگیری مشکی‌رنگ ترسیم شده‌اند. جلوه‌های نوآورانه دیگری در حاشیه قاب کتیبه اصلی ارائه شده است. این حاشیه یک شبکه هندسی را ایجاد کرد.

۱. پایه مناره M6 از زمان سقوط آن هرگز پاک نشده است. ممکن است تکه‌هایی از کاشی «آبی و سفید» در آوار پیدا شود.

۲. کاشی‌های «آبی و سفید» گازورگاه و مشهد در: کتاب اوکین، معماری تیموری در خراسان، ۱۲۲-۳ آمده است.





شکل ۱۱. تکه‌های کاشی معرق از مناره M6، نگهداری در موزه ملی هرات.



شکل ۱۲. جزئیات کاشی‌های معرق و تزئینات "آبی و سفید" از مناره M6 در دهه



شکل ۱۳. کاشی‌های «آبی-سفید» روی ایوان اصلی مجتمع عبدالله انصاری درگازرگاه.



شکل ۱۴. جزئیات کاشی‌های معرق مناره M6

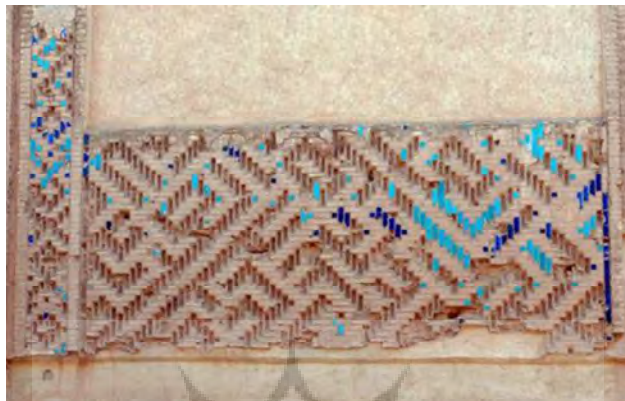
چندضلعی‌های اصلی آن، توسط کاشی‌های لعاب سفید تک‌رنگ ساخته شده که اندکی برجسته‌تر نسبت به سایر تزئینات چیدمان شده‌اند (شکل ۱۴). بین این چندضلعی‌ها، ترنج‌هایی از کاشی معرق بسیار ظریف، با نقوش گیاهی وجود داشت. استفاده از این گونه کاشی‌های سفید تک‌رنگ برجسته در معماری دوره تیموری کاملاً غیرعادی است. در مدرسه غیاثیه خُرگرد، (۸۴۵/۸۴۶-۸۴۸/۸۴۹ ق.) چند کاشی زیرلعابی لوزی شکل وجود دارد. زمینه اصلی آنها سفید است و نسبت به سایر تزئینات به صورت برجسته‌تری کار شده‌اند که با تزئینات مناره M6 شباهت‌هایی دارند (شکل ۳۰ (A)). اما کاشی‌های خرگرد دارای لبه‌های آبی رنگی است که این خطوط در کاشی‌های هرات وجود ندارد. دیوارپوش‌هایی مشابه دیوارهای هرات در مجموعه مجاور که در سال‌های ۹۰۰/۸۹۰ ق. توسط سلطان حسین تیموری ساخته شده، یافت شد.<sup>۱</sup> می‌توان فرض کرد که مسجد گوهرشاد احتمالاً الهام‌بخش طراحان دوره سلطان حسین بوده است.

### کاشی‌های مقبره گوهر شاد

مقبره گوهرشاد زمانی گوشه شمال غربی مدرسه را مشخص می‌کرد (شکل ۱). نمای داخلی مقبره با مقرنس‌های متراکم، گنبدها و نیم‌گنبدهای حجاری شده با گچ و نقاشی به رنگ‌های آبی، سفید، قرمز و طلایی تزئین شده است (شکل ۷). تزئینات ازاره کاملاً ناپدید شده است، اما شاخصه‌های تزئینی دوره تیموری نشان از آن دارد که سطح آن با کاشی‌کاری و احتمالاً به صورت فرم‌های هندسی، پوشانده شده بود.

۱. مقاله‌ای در این زمینه با عنوان آزمایشی: اوبه، لورین، بندزو- سارمیتو، «مصلاهی تیموریان هرات بازبینی شده: معماری و تزئین مدرسه سلطان حسین بایقرا» در راه است.

تزئینات مشابهی را می‌توان در خرگرد، در اتاقی که در شمال هشتی ورودی مدرسه غیائیه قرار دارد، مشاهده نمود.



شکل ۱۵. تزئینات بنایی (Banna'i decoration) از نمای شمالی مقبره گوهر شاد

بنابراین، کاشی‌هایی که امروزه بر روی این سازه یافت می‌شوند، همگی در نمای بیرونی بنا واقع شده‌اند. بخش بزرگی از قطعات جمع‌آوری‌شده در محل، آجرهایی از نوع «بنایی» (معقلی؛ هنر تزئین معماری ایرانی) هستند، یعنی آجرهایی با لعاب تک‌رنگ، که عموماً همراه با آجرهای بدون لعاب چیدمان شده تا یک الگوی هندسی یا کتیبه‌ای ایجاد کنند. این تکنیک در معماری دوره تیموری بسیار رواج داشت. با توجه به شیوه‌های تزئینی این دوره، پذیرفتنی است که تمام دیوارهای بیرونی مدرسه و همچنین گنبد‌های آن و احتمالاً بخشی از دیوارهای حیاط مرکزی با این نوع آجر تزئین شده باشد. بدون شک این امر در مورد مسجد گوهرشاد نیز صدق می‌کند. امروزه تنها دیوارهای شمالی و غربی مقبره و نیز پوسته گنبد آن دارای این نوع تزئین است (تصویر ۶ و ۱۵). تکه‌هایی از کتیبه‌های هندسی ساخته شده از آجرهای بنایی هنوز هم در حاشیه نماهای مقبره وجود دارند. در جبهه شمالی، در دو طرف طاق

بزرگ بالای پنجره، بخش‌هایی از طرح کتیبه‌مانندی هنوز وجود دارد: <sup>۱</sup> ادعیه مذهبی به خط کوفی پرشکنجی با آجرهای فیروزه‌ای تک‌رنگ که در برابر پس‌زمینه‌ای از آجر بدون لعاب خودنمایی می‌کردند، شکل گرفته است. (شکل ۱۵). نماهای شرقی و جنوبی بقعه، تزئینات اولیه خود را حفظ نکرده‌اند. فراموش نکنیم که آن‌ها در ابتدا متصل به سایر اتاق‌های مدرسه بودند. <sup>۲</sup> گلدانی‌های معرق‌کاری شده و کتیبه‌های گل‌آذین که در حال حاضر زینت‌بخش لچکی‌های نمای شرقی هستند، در دوره معاصر ساخته شده‌اند: دیوارهای اتاق مجاور مقبره قبلاً گچ‌کاری و به احتمال زیاد رنگ‌آمیزی شده بود و قاب‌بندی دیوارها ظاهراً با کاشی پوشانده شده بود.



۱. همانطور که در عکس‌های گرفته شده توسط رابرت بایرون دیده می‌شود، تزئینات او در سال ۱۹۳۳ بهتر حفظ شد.

نگاه کنید به: موسسه هنر کورتال، لندن، منفی A38/314.

۲. عکس‌های گرفته شده در دهه ۱۹۳۰ را ببینید. تزئینات معماری دیگر روی عکسی که در سال ۱۹۳۳ توسط رابرت

بایرون گرفته شده بود (موسسه هنر کورتال، لندن، نگاتیو A38/315 و A38/317) وجود نداشت. تصویر او نیز نشان

می‌دهد که طاق‌های فعلی وجود نداشته‌اند. همچنین عکس گرفته شده توسط A. شایب در سال ۱۹۳۷ را ببینید -

Deutsche im Hindukusch, S. 53, DHE 304 biss 307

برای مشاهده آنلاین: <http://www.phototheca->

[pil%5BshowUid browsr x cache=1&tafghanica.ch/index.php?id=35&no](http://www.phototheca-pil%5BshowUid browsr x cache=1&tafghanica.ch/index.php?id=35&no)

[25%5D=1566&L=&cHash=bab381ffd628df06ba972705c48836f0](http://www.phototheca-pil%5BshowUid browsr x cache=1&tafghanica.ch/index.php?id=35&no)

فوریه ۲۰۱۷).



شکل ۱۶. جزئیات گنبد مقبره گوهرشاد

گنبد مقبره با مجموعه‌ای از تکنیک‌های متنوع پوشیده شده است. پوسته گنبد با آجرهای فیروزه‌ای تک‌رنگ آراسته شده که با تزیینات محدب‌ی شکل منقش به کتیبه‌های آبی سفید و لوزی‌های زردرنگ بر زمینه فیروزه‌ای برجسته‌سازی شده است (به بخش بالایی عکس ۱۶ نگاه کنید). علاوه بر آجرهای بنایی، گنبد با کاشی‌های لعاب‌رنگی یا «هفت‌رنگ» (که به نام «کوئرداسکا» شناخته می‌شود)<sup>۱</sup> و نیز با کاشی معرق تزیین شده است.

### تزیینات "هفت‌رنگ"

پایه گنبد (تصویر ۱۶) با حاشیه‌ای تزیینی از کاشی‌های «هفت‌رنگ» یا لعاب‌رنگی آراسته شده است: این کاشی‌ها ابتدا با لعاب سفید تک‌رنگ و سپس با بقیه لعابهای

۱. این تکنیک بیشتر به عنوان «خط سیاه»، «cuerda seca» یا حتی «هفت‌رنگ» شناخته می‌شود. این نام جدید توسط لوسیل مارتینه پیشنهاد شده است. ما از لوسیل مارتینه و برنارد اوکین برای این اصطلاح سپاسگزاریم که ممکن است در ایجاد اجماع موفق باشد.

رنگی که هرکدام در درجه دمای متفاوتی حرارت دیده‌اند، اندود شده است. هر رنگ توسط خطی از ماده‌ای سیاه‌رنگ که مخلوطی است از منگنز غنی از آهن با پایه شیشه، از هم تفکیک شده است.<sup>۱</sup> ردیفی از کاشی‌های «هفت‌رنگ» که گنبد را می‌پوشاند، با کلمات دعایی (یا سبحان، یا جبار) به خط کوفی گل‌دار تزئین شده است (شکل ۱۶). در پایین این ردیف، قرنیزی از مقرنس‌های مزین به گلها و نقش درخت نخل قرار دارد که در زیر آن قوس‌ها و حاشیه‌های تزئینی با مربع‌های طلا برجسته قرار گرفته است. در پایین‌ترین سطح گنبد روی ساقه، یک کتیبه بلند قرآنی قرار داشت<sup>۲</sup> (شکل ۱۷). تمامی بقایای این آخرین خوشنویسی، اکنون از ساقه گنبد محو شده است، اما تنها چند قطعه از آن، در میان قطعات مورد مطالعه برای یونسکو یافت شد (شکل ۱۸). زمانی در اینجا یک کتیبه مادرپچه در دو ردیف وجود داشت. کتیبه اصلی به خط ثلث سفیدرنگ حکاکی شده و بر زمینه‌ای از پیچک‌های برگ‌دار گسترش یافته بود. تعدادی از قطعات باقیمانده از اثر در کتیبه فرعی، به خط کوفی گل‌دار که با نهایت روانی مصور شده، با طلا تأکیدگذاری و با رنگ صورتی ترسیم شده است.

۱. بر اساس تجزیه و تحلیل انجام شده بر روی کاشی‌های لعاب‌رنگی "کلوزون" از گنبد مقبره گوهر شاد (کتی و سیدوتی، "آزمایش‌های آزمایشگاهی"). درباره این تکنیک، نگاه کنید به پاچکو، «مطالعه فیلم‌های طلا»، ۱۵۲. لوسیل مارتینه اکنون در حال نوشتن یک رساله دکترا در این زمینه است. ما صمیمانه از او برای تمام اطلاعاتی که با مهربانی با ما در میان گذاشت تشکر می‌کنیم. رجوع کنید به: لوسیل مارتینه، «بررسی تاریخی و فیزیکوشیمیایی تزئینات با لعاب‌های "پارتیشن" رنگی سرامیک‌های معماری در امپراتوری‌های تیموری، عثمانی و صفوی (پایان چهاردهم تا پایان قرن هفدهم)» کلدلری، EHESS (مرکز تحقیقات تاریخی) / موزه لوور (گروه هنرهای اسلامی). تحقیقات او نشان می‌دهد که خط کاشی‌های «کلیسونه» تیموری خراسان، بر خلاف نمونه‌های هرات که به کاشی‌های «کلیسونه» از زمان حیات تیمور نزدیک‌تر است، پایه‌ای از کروم با مقدار کمی منگنز دارد.

۲. بخش‌هایی از این کتیبه هنوز در تصاویر بیرون قابل مشاهده است. رجوع کنید به: موسسه هنرکورتولد، نگر. A38/318. همچنین: هج ولف 1966:33 و آرشیو افغانستان آندریا برونو که در یونسکو نگهداری می‌شود (۲۰۲۰-۴۵۰۰۲۹۰۲۹-۱)، رجوع: 01609HERAFGAB (تکنیر شده در شکل ۱۷ ما).



مشابه این نوع کاشی «هفت‌رنگ» را می‌توان در کاشی‌کاری معماری تیموری از اواخر قرن چهاردهم تا دهه ۱۴۴۰ یافت.



شکل ۱۷. کتیبه ناپدید شده بر سطح برجسته مقبره گوهرشاد، نگهداری شده در یونسکو.



شکل ۱۸. قطعاتی از کتیبه ساقه مقبره





شکل ۱۹. کاشی‌های «هفت‌رنگ» با لعاب رنگی و کاشی‌های «آبی و سفید» از ایوان جنوب غربی در مدرسه غیاثیه، خرگرد



شکل ۲۰. کاشی و سرامیک جایگزین شده بالای درب ورودی مزار زین‌الدین در تایباد

پالت رنگی با سایه‌های ملایمی از رنگ سبز پسته‌ای و استفاده از طلا، کاشی‌های زیبای «هفت‌رنگ» کاخ آق‌سرای در شهر سبز (۷۹۸-۷۸۰ ق.)، مسجد تیمور معروف به «بی‌بی خانم» در سمرقند (۸۰۱/۸۰۰-۸۰۸/۸۰۷ ق.)، یا مدارس الغ بیگ در بخارا و سمرقند (۸۲۶-۸۲۳ ق.) را به یاد می‌آورد.<sup>۱</sup> اما نزدیک‌ترین شباهت را می‌توان در خراسان، بر روی بناهایی که به سرپرستی معمار قوام‌الدین ساخته شده‌اند، یافت نمود: حاشیه‌ها و قاب‌بندهای تزئینی نمای داخلی ایوان‌ها در مدرسه غیائیه خرگرد (تصویر ۱۹)، یا تکه کاشی‌هایی که در بالای ورودی مقبره زین‌الدین در تایباد (تصویر ۲۰ ق.) مجدداً استفاده شده، و یا حتی شاخص‌تر، کتیبه‌های ساقه گنبد مقبره شیخ احمد در تربت‌جام (۸۴۴/۸۴۳ ق.)، تصویر ۲۱ و نیز مدرسه گوهرشاد در کوهسان (۸۴۴/۸۴۳ ق.) از این دست است.<sup>۲</sup> کاشی‌های هفت‌رنگ گنبد مدرسه گوهرشاد طبق سنت تزئینی تیموریان، در این دوره قرار می‌گیرد.



شکل ۲۱. کتیبه و تزئینات کاشی از طبل مقبره شیخ احمد در تربت جام

۱. درباره این تکامل، نگاه کنید به: سوستیل و پورتر، مقبره‌های بهشت، ۸-۲۱۳؛ و اوکین، «توسعه کوثردا سکا ایرانی».  
 ۲. درباره این بناهای مختلف نگاه کنید به: اوکین، «مدرسه غیائیه در خرگرد» و «تایباد، تربت جام». همچنین نگاه کنید به: اوکین، معماری تیموری در خراسان، ۲۰۱-۱۹۷، ۱۵-۲۱۱ و ۶-۲۲۳؛ گل‌مبک و ویلبر، معماری تیموری، اول، ۷-۳۲۲ و ۳۴۴-۹.

## کاشی‌های معرق

در نهایت، قسمت زیرین ساقه گنبد با صفحات عمودی معرق کاری پوشیده شده است. این صفحات، بر روی زمینه‌ای از جنس آجر تزئینی بدون لعاب، قوس‌های نوک‌تیزی را شکل می‌دهند. روی لچکی این قوس‌های تزئینی، ترنجی‌هایی با طرح نخل‌های زینتی بر روی زمینه‌ای از ساقه‌های گل‌دار دیده می‌شود، در حالی که سنتوری‌های کاذب با کتیبه کوفی بسیار لطیف، که نام الله هفت بار در آن تکرار شده، آن را مزین ساخته است. در زیر قوس نوک‌تیز، یک الگوی ستاره‌دار ایجاد شده که شامل کاشی‌های شش‌ضلعی گل‌داری است که توسط مثلث‌های قرمز رنگی با یکدیگر مرتبط شده‌اند. هر صفحه توسط یک حاشیه تزئینی کوچک از چند ضلعی‌ها از هم جدا شده است.

## تجزیه و تحلیل آزمایشگاهی تزئینات بنایی و هفت‌رنگ

در سال ۲۰۱۵ نمونه‌هایی از تزئینات گنبد مقبره توسط مرمت‌گران؛ لوسیا کوتی و جیانکارلو سیدوتی به درخواست یونسکو برداشته شد.<sup>۱</sup> تجزیه و تحلیل بعد از این نشان داد که ترکیبات شیمیایی آجرهای بنایی و کاشی‌های هفت‌رنگ یکسان است: خمیر خاک رس بسیار نرم، غنی از کوارتز، با مقدار کمی فلدسپات. در هر دو تکنیک، از فرآیند یکسانی برای به دست آوردن لعاب سفید که با قلع مات شده بود، استفاده کردند. لعاب فیروزه‌ای در تکنیک بنایی با افزودن پایه‌ای از اکسید مس به این مخلوط به دست می‌آید. رنگ زرد از طریق تغلیظ بالای اکسیدهای سرب و آهن به دست آمد. جالب است اشاره شود که رنگ آبی تیره (اکسید کبالت) بر خلاف سایر لعاب‌هایی

۱. ما صمیمانه از یونسکو و تیم مرمت ایتالیایی که این تحلیل‌ها را در نوامبر ۲۰۱۵ انجام دادند، تشکر می‌کنیم: لوسیا کوتی و جیانکارلو سیدوتی، با همکاری لیویا آلبرتی و ارماتو کاربونارا.

که به صورت تک لایه اجرا می‌شد؛ در دو لایه لعاب - که اولی پر رنگ‌تر از دومی بود- اعمال شده است.

کاشی‌های هفت‌رنگ مقبره گوهرشاد، از شاخصه‌های آثار دوره تیموری در نیمه اول قرن پانزدهم هستند. پالت رنگی آن محدود به رنگ‌های سفید (قلع) و فیروزه‌ای (مس) بر روی زمینه‌ای لاجوردی است که قدرت رنگی آنها با سیاه (منگنز) افزایش یافته است.<sup>۱</sup> همچنین ممکن است وجود رنگ سبزی غیرمعمول (به رنگ سیب سبز) (با سرب و پایه‌ای از استات مس) مورد توجه قرار گیرد.



شکل ۲۲. بقایای تزئینات تکنیکی در پایین مناره

---

۱. نتایج آن‌ها در یک گزارش منتشر نشده ارائه شده است: کوتلی و سیدوتی، "تست‌های آزمایشگاهی".

در نهایت، دیوارپوش‌ها با تزئیناتی از ورق طلا که در مربع‌های کوچک چیده شده بود، آراسته شد. خط مشکی در کاشی‌های «هفت‌رنگ» که رنگ‌ها را از هم جدا می‌کند در اینجا به جای سیاه، صورتی (بر پایه اکسید آهن)<sup>۱</sup> است. این خط صورتی نه تنها به مشخص کردن رنگ‌های مختلف کمک می‌کند، بلکه منجر به تأکید بر انعکاس فلزی طلا می‌شود.<sup>۲</sup> رنگ صورتی نیز گاهی به عنوان رنگ پرکننده استفاده می‌شود. ممکن است یافتن چنین آرایه‌های رنگی خالصی که در ارتفاع زیاد بر روی کاشی‌ها قرار گرفته‌اند، و به سختی برای بازدیدکنندگان قابل مشاهده‌اند، کمی گیج‌کننده به نظر برسد، اما مهم است که قابلیت رنگین‌مانی این رنگ‌های درخشان طلائی را در نظر بگیریم که می‌توانند نور خورشید را تا حد زیادی منعکس کند.<sup>۳</sup>

### کاشی‌های مناره (M5) مدرسه و اطراف آن

مناره M5 زمانی گوشه جنوب شرقی مدرسه گوهرشاد را تشکیل می‌داد. فقط چهارچوب اطراف درب منتهی به راه‌پله هیچ‌گونه تزئینی ندارد؛ در دو طرف درب، سطح مناره تا قسمت تیر سردر برهنه است. برخلاف تزئینات M6 که تکنیک‌های

۱. این نتیجه تحلیل انجام شده بر روی سه کاشی با همان منبع قبلی است. شایان ذکر است که کلر پاچکو در این تحلیل خط صورتی را از هماتیت ( $Fe_2O_3$ ) و فریت توصیف کرد (Pacheco, "پاچکو،" مطالعه فیلم‌های طلا، ۱۵). تجزیه و تحلیل سیستماتیک‌تر به نتایج قابل اعتمادتری منجر می‌شود.

۲. این یکی از نتیجه‌گیری‌های سلین اولانیه دربارہ کاشی‌های تیموری از کاخ آق‌سرای در شهر سبز است (سخنرانی که در کارگاه آموزشی «دوران تیموری» در دانشگاه لیدن، ۲۶ تا ۲۷ مه ۲۰۱۶ برگزار شد؛ و همچنین دکترای او. رساله: اولانگیر، «دی کایروان (تونس) شهرسبز»). همچنین به پاچکو، «152 Étude des films d'or» و رساله دکترای لوسیل مارتینه مراجعه کنید (به یادداشت ۶۵ مراجعه کنید).

۳. این میزان انعکاس نور هنوز در تزئینات معماری قرون وسطایی مشاهده می‌شود، حتی زمانی که تنها چند قطعه کوچک طلا باقی مانده است. این را در کاشی‌های سرامیکی با تزئینات کوچک طلاکاری شده از مدرسه سلطان حسین در هرات دیدیم.

متنوع‌تری از تزئین را با هم ترکیب می‌کند؛ پوشش آن اساساً شامل کاشی معرق و آجرهای نما است. با این حال، انواع دیگری از دیوارپوش‌ها در پایین مناره M5 یافت شده است.

### کاشی معرق و تکنیک‌های الحاقی

ردیف‌های تزئینی مختلف مناره M5 با نوارهای کتیبه‌ای ساخته شده از کاشی معرق نشانه‌گذاری و تأکید شده‌اند. درست در بالای پایه مرمرین مناره، باقی مانده اثر یکی از کتیبه‌های معرق‌کاری شده قابل تشخیص است (شکل ۲۲). بین ردیف تزئینی اول و دوم هنوز می‌توان آثاری از نوار کتیبه‌ای معرق با کتیبه دوتایی (مادرپچه) مشاهده کرد: خطوط ثلث سفیدرنگ بلند، که توسط کتیبه زردرنگی به خط کوفی در نوار بالا همراهی می‌شود بر روی زمینه لاجوردی قرار گرفته‌اند. (شکل ۲۳). سومین نوار کتیبه‌ای که در زیر بالکن اول قرار داشت ناپدید شده، اما عکس‌های قدیمی نشان می‌دهند که کتیبه‌ای به خط کوفی هندسی روی آن قرار داشته است.<sup>۱</sup>

بین این نوارهای تزئینی، دو قاب مدور معرق‌کاری شده بر زمینه‌ای از جنس آجر زینتی ایجاد شد. ردیف پایینی ترکیبی بوده از قاب‌های تزئینی گوشه‌دار به شکل مستطیل (شکل ۲۲) و سطح میانی توسط قاب‌های بیضی‌شکل چندبخشی تزئین شده (شکل ۲۴ (A,B))، در حالی که بین دو بالکن مقرنس‌کاری شده، تزئینات گل‌مانند سه‌طرفه، گسترش یافته بودند (شکل ۲۵). بالای مناره که اکنون ویران شده،

۱. به آرشیو آندریا برونو در افغانستان که در یونسکو نگهداری می‌شود (A1-۴۵۰۰۲۹۰۲۰۹) و به خصوص عکس 22557HERAFGAB که حدوداً ۱۹۷۰ گرفته شده است، مراجعه کنید.

کاشی‌هایی داشت که به شکل مستطیل، مربع و L شکل بودند.<sup>۱</sup> لازم به ذکر است که کتیبه‌های تزئینی متنوع و مبتکرانه‌ای این بنای تاریخی را زینت داده است، چنانکه امروزه نیز ردیفی از قاب‌های چندوجهی پر از خطوط ثلث قرینه که کلمات الحمدالله را تکرار می‌کنند نیز مشاهده می‌شود (شکل ۲۴ الف). قطعاتی از خط ثلث قرینه‌ای همانند خط کوفی هندسی در میان ویرانه‌های بنا یافت شده است: این قطعات از نظر سبکی به خوشنویسی‌های کار شده در مناره M5 بسیار نزدیک هستند، اما به جای لاجوردی روی زمینه‌ای سیاه‌رنگ کار شده‌اند (شکل ۲۶).

یک روش تزئینی متداول، نوعی تکنیک الحاقی است که با قراردادن قاب‌های مدور معرق‌کاری شده بر روی زمینه‌ای از آجرهای برشی بدون لعاب، بر نقش آن‌ها تأکید میکند. این روش بر روی بناهای تاریخی متعددی در منطقه مانند مناره‌های مسجد گوهرشاد (۸۱۹-۸۲۰ ق.) و مناره‌های مسجدشاه در مشهد (۸۵۴ ق.)، تصویر ۲۷) یا در مدرسه غیاثیه خرگرد (در اینجا با کاشی‌های «هفت‌رنگ» به جای موزاییک)، یافت می‌شود. برخی از شبکه‌های هندسی روی مناره M5 -مانند نواری که اولین ردیف را در بر می‌گیرد (شکل ۲۳، پایین) - نشان‌دهنده نوعی از تزئینات است که در دوره‌های بعدی در هرات مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، قاب‌سازی‌های

۱. یک بار دیگر از برنارد اوکین صمیمانه سپاسگزاریم که عکسی را که در دهه ۱۹۷۰ گرفته شده بود و تزئینات بالای مناره را به ما نشان داد، ارائه کرد. می‌توانید عکس سیاه‌وسفید آن را در کتاب: O'Kane، معماری تیموری در خراسان، شکل ۱۴.۱۲ ببینید تا آنجایی که می‌توانیم از این عکس قضاوت کنیم، به نظر می‌رسد که کاشی‌های سرامیکی نوعی تزئین «کلوزونه» با لعاب رنگی (cuerta seca) بوده‌اند. برخی از قطعات جمع‌آوری شده در محل احتمالاً با این کاشی‌ها مطابقت دارد. اگر چنین است، کیفیت این کاشی‌ها به مراتب کمتر از «کلوزونه» از گنبد مقبره است. در هر صورت، بدون تصاویر بیشتر از این قسمت ناپدید شده مناره، هرگونه نتیجه‌گیری بی پایه خواهد بود.

مدرسه سلطان حسین (شکل ۲۸)، ترکیبات و روش‌های فنی قابل مقایسه با آنچه در مناره M5 مشاهده شده است را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

جدای از قاب‌های معرق‌کاری ردیف اول که زمانی بسیار غنی و پر از جزئیات تزئینی بودند و در حال حاضر از بین رفته‌اند، باید توجه داشته باشیم که نقوش کاشی‌های معرق بین مناره‌های M5 و M6 کاملاً مشابه نیستند.<sup>۲</sup> پالت رنگی مطمئناً قابل مقایسه است، اما کاربرد پیچیده و ماهرانه کمتری از آن می‌شود: به عنوان مثال، استفاده از رنگ در نقوش گل‌مانند، دارای تنوع کمتری است؛ عناصر گیاهی و گل‌ها اغلب گستردگی کمتری دارند بنابراین رنگ‌های استفاده شده برای آنها نسبت به نقوش مسجد، دارای تنوع کمتری است. با این وجود تزئینات معماری همچنان مبتکرانه باقی مانده است، اما در قیاس با مناره مسجد، نقوش گل‌دار در اینجا تکراری‌تر به نظر می‌رسد و فرم‌ها نیازمند معرق‌کاری ساده‌تری هستند. ظاهراً تزئینات مناره M5 ساده‌تر شده‌اند چرا که کار باید در ارتفاع بالاتری انجام می‌شد (پیرکردن محیط قاب‌بندهای زینتی را در شکل ۲۴ (A) و (B) مقایسه کنید). با این حال، ممکن است باعث شگفتی باشد که بخشی از تزئینات در راستای تکمیل پروژه به سرعت انجام شده است.

۱. مقاله پیش‌روی ما را ببینید: اوبهه، لورین، بندیزو-سارمیتو، «مصلی تیموری هرات بازبینی شده: معماری و تزئینات مدرسه سلطان حسین بایقرا»

۲. تصویر منتشر شده را ببینید: لنتز و لوری، تیمور و چشم انداز شاهزاده، ۸۸ شکل. ۳۰.





شکل ۲۳. جزئیات تزئینات کاشی و آجری مناره

### کاشی های آبی - سفید

در نهایت، در سال ۲۰۱۷، در جریان کار مرمتی که توسط یونسکو برای تثبیت مناره انجام شد، چندین قطعه کاشی در قسمت پایه مناره مدرسه جمع‌آوری گردید. جای تعجب نیست که در میان قطعات یافت شده، تعداد بسیار زیادی تکه‌های کاشی معرق، و نیز آجرهای معقلی یافت شده است. همچنین انواع دیگری از قطعات سرامیکی نیز یافت شد که به احتمال زیاد متعلق به اتاق‌های مجاور مناره بوده‌اند. از این میان مهم‌ترین گروه کاشی احتمالاً مجموعه‌ای مشتمل بر ۵۰ قطعه کاشی آبی-سفید است (شکل ۲۹). بر روی برخی از این قطعات، نقوش گیاهی آبی‌رنگی بر روی زمینه سفید دیده می‌شود که در زیر یک لعاب شفاف قرار گرفته‌اند (به ۱۰ کاشی در پایین شکل ۲۹ مراجعه کنید). در تعدادی از این کاشی‌ها، به کمک خطوط رنگ سیاه بر موتیف‌های گیاهی تأکید بیشتری شده است. به دلیل تکه‌تکه شدن کاشی‌ها، نمی‌توان شکل کلی دیوارپوش‌ها در این مجموعه را مشخص نمود. با این حال، به نظر می‌رسد که بیشتر آن‌ها از فرم‌های چندضلعی تشکیل شده‌اند که با نقوش گلدار تزئین شده که

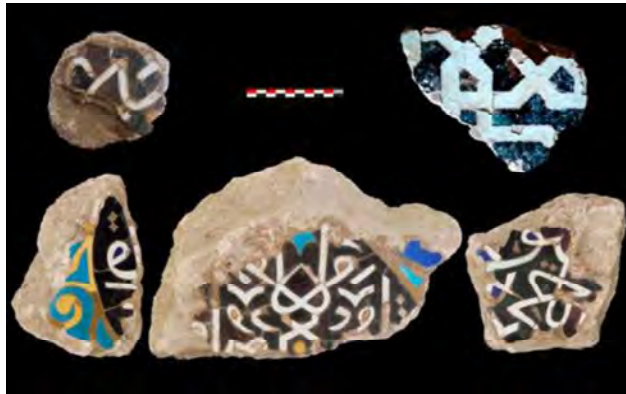
گاهی با خطوط برجسته به رنگ لاجوردی لبه‌گذاری شده‌اند. تنها یک قطعه با این گروه متفاوت است: به دلیل اینکه تمام اضلاع آن از بین رفته، شکل کامل آن نامعلوم است، اما تزئین آن شامل قسمتی از بال یک پرند (سیمرغ؟) است که با طیف رنگی خانواده آبی-کبالت کشیده شده و بصورت بسیار وسواس‌گونه‌تری از سایر کاشیهای آبی-سفید یافت شده، تصویر شده است. (به کاشی در گوشه سمت راست پایین شکل ۲۹ مراجعه کنید).



شکل ۲۴. (الف) و (ب) دو جزئیات از تزئینات مناره



شکل ۲۵. جزئیات تزئین مناره



شکل ۲۶. قطعات با تزئینات خوشنویسی، نگهداری شده در موزه ملی هرات

در نهایت، مجموعه‌ای از قطعات نقاشی شده و لعاب‌دار وجود دارد که اجزاء حاشیه‌ها و چندضلعی‌ها را تشکیل می‌دهد، این قطعات خیلی ساده به رنگ سفید رنگ‌آمیزی شده و از طریق حاشیه‌گذاری محتاطانه با آبی لاجوردی بر اهمیت هر ضلع کاشی افزوده و سبب تأکید آن می‌شود. (به شماره ۱۱ کاشی‌های بخش فوقانی شکل ۲۹ مراجعه کنید). شاید به استثنای قطعه کاشی با بال پرند، تمام قطعات این گروه با یک نوع خمیر ساخته شده و در آن از تکنیک‌های فنی استفاده شده که نشان می‌دهد می‌توان آنها را به عنوان یک مجموعه واحد در نظر گرفت.

نمونه‌های کاشی «آبی و سفید» در معماری دوره تیموری نسبتاً محدود است. بنابراین مشاهده چنین کاشی‌های متفاوتی از این نوع شگفت‌آور است. کاشی‌های سفید با حاشیه‌های لاجوردی به نوعی تداومی گر کاشی‌های برجسته تک‌رنگ سفیدی هستند که روی مناره M6 دیده می‌شوند (شکل ۱۴). تکنیک، سبک و تنوع آنها نشان از کاشی‌های «آبی سفید» یافت شده در مسجد کبود تبریز (۸۷۰/ ۸۶۹ ق.) و مسجد

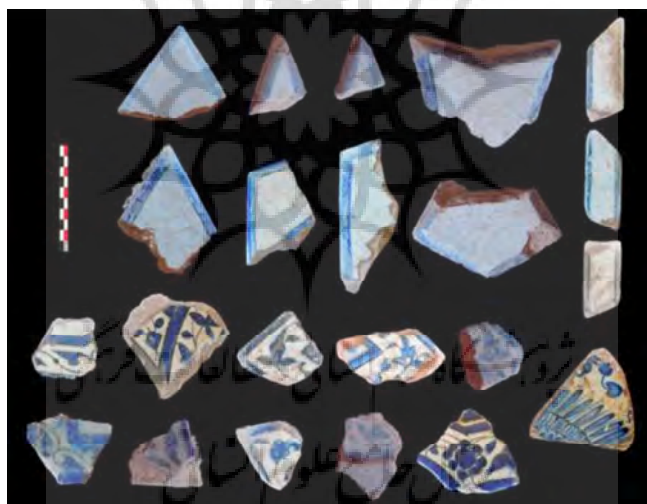
اوزون حسن (حدود ۸۸۹-۸۸۲ ق.) دارد.<sup>۱</sup> اما بیشتر از همه کاشی‌های منقوش و لعاب‌دار کار شده بر دیوارهای داخلی ایوان جنوب‌غربی مدرسه غیاثیه خرگرد را به یاد می‌آورند. در این بنا می‌توانیم طیف مشابهی از کاشی «آبی و سفید» را ببینیم (شکل های ۱۹ و ۳۰ (A,B)): یعنی نقوش گیاهی لاجوردی بر روی زمینه سفید زیر لعاب شفاف نقاشی شده و چند ضلعی‌های سفیدی که با حاشیه‌هایی لاجوردی‌رنگ مشخص شده‌اند، مانند آنچه در هرات کشف شده است. تشابه میان مجموعه کاشی‌های «آبی و سفید» خرگرد و هرات از این جهت قابل توجه است که این نوع کاشی در قرن پانزدهم بسیار کم استفاده می‌شده. با در نظر گرفتن اینکه این دو مجموعه هر دو زیر نظر قوام‌الدین ساخته شده‌اند، شاید تعجب کنیم که چقدر این نوع تزیینات ممکن است یکی از مشخصه‌های سبکی این معمار معروف باشد.



۱. تصاویر و مطالعات این تزیینات در چندین نشریه اوبهه، «مسجد کبود تبریز» و «مسجد اوزون حسن تبریز» و کاشی در معماری، فصل ۴ آورده شده است.



شکل ۲۸. جزئیات تزئینات بخش پایین دیوار که با چوب یا رنگ متفاوتی آذین شده است در مدرسه سلطان حسین-نمای شمالی مقبره



شکل ۲۹. یافته‌های کاشی «آبی و سفید» جمع‌آوری شده در اطراف M5، که در اینجا با برخی قطعات دیگر که قبلاً در مجتمع گوهر شاد ذخیره شده‌اند، بدون اشاره به مکان دقیق کشف مرتبط است





شکل ۳۰. الف) و ب) کاشی های «آبی و سفید» از ایوان جنوب غربی مدرسه غیاثیه خرگرد

### کاشی های لعاب رنگی هفت رنگ

تعدادی از قطعات کاشی «هفت رنگ» در طول مرمت مناره M5 کشف شد (برای مثال به شکل ۳۱ مراجعه کنید). این کاشی‌ها از نظر فنی شبیه به کاشی‌هایی هستند که در گنبد مقبره گوهرشاد یافت شده و متعلق به همان پروژه ساختمانی هستند. همانند کاشی‌هایی که امروزه در داخل مدرسه غیاثیه خرگرد مشاهده می‌شود (شکل ۱۹ و ۳۰ "الف"). می‌توانیم فرض کنیم که این کاشی‌های «هفت رنگ» و «آبی و سفید» که در بالا ذکر شد، به احتمال زیاد به صورت یک صفحه منقرد، روی زمینه‌ای از آجرهای بی‌لعاب ساخته شده‌اند. در نهایت، شاید جالب توجه باشد که به چند قطعه کاشی «هفت رنگ» دیگر اشاره کنیم که ممکن است مستقیماً از نزدیکی مقبره گوهرشاد به

دست آمده باشد - اگرچه در مورد محل دقیق جمع آوری آنها مسائلی مطرح است.<sup>۱</sup> آنها با کاشی‌های قبل، از نظر تعددرنگی متفاوت هستند، که شامل رنگ‌های لاجوردی، فیروزه‌ای، سیاه، سفید و همچنین رنگ زرد - که در مجموعه قبلی وجود ندارد - و نیز چند قطعه کمیاب که ردپای رنگ سبز را نشان می‌دهد. گونه‌شناسی و تکنیک به کار رفته در آنها، شباهت‌شان را با نمونه‌هایی از این دست متعلق به اواخر دوره تیموری که در هرات، مسجد جامع<sup>۲</sup> (۹۰۳-۹۰۵ ق.) و مدرسه سلطان حسین یافته شده را نشان می‌دهد. با این حال، موقعیت کشف کاشی‌های «هفت‌رنگ» اخیر از داخل مجتمع گوهرشاد، هنوز نامشخص است و ما باید در مورد نتیجه‌گیری از این چند قطعه بسیار محتاط باشیم. چنانچه مدرکی دال بر کشف آنها در یک نقطه بخصوص، مورد تأیید قرار می‌گرفت، این امر می‌توانست نشان از مرمت‌های احتمالی باشد که در زمان سلطنت سلطان حسین انجام گرفته است.

### نتیجه

از آنجایی که معماران جهان قرون وسطی ایران عموماً ناشناس باقی می‌مانند، شناسایی یک شخصیت به‌عنوان مسئول چندین پروژه مختلف معماری امری بسیار نادر است. به هر حال این امر، در مورد استاد معروف قوام‌الدین بن زین‌الدین شیرازی است؛ کسی که ساخت مجموعه سفارشی گوهرشاد در هرات را مدیون او هستیم.<sup>۱</sup> وی همچنین در

۱. قطعاتی از این گروه در پایه مقبره گوهر شاد جمع آوری شد. هنگامی که آنها را برداشتند، این تکه‌ها به عنوان اجزا سازنده گنبد تعبیر شد. مطابق با تزئینات روی این گنبد، این امر ممکن به نظر نمی‌رسد.

۲. درباره مسجد جامع هرات و آثار مرمت دوره تیموری آن رجوع کنید به: O'Kane. معماری تیموری، ۳۵۳-۶؛ و گلمبک و ویلبر، معماری تیموری، ۱، ۳۱۷-۸.

۱. بنگرید به: ویلبر، قوام‌الدین.

ساخت چندین بنای دیگر تیموریان در خراسان نقش دارد: خانقاه و مدرسه شاهرخ در هرات (۸۱۲/۸۱۳ ق.، اکنون ناپدید شده) مسجد جامع گوهرشاد در مشهد (۸۲۰-۸۱۸ ق.)، مقبره خواجه عبدالله انصاری در گازرگاه ۸۲۰-۸۲۸ ق. و مدرسه غیاثیه در خرگرد (۸۴۸/۸۴۹ و ۸۴۶/۸۴۵ ق.)، از این جمله است.<sup>۱</sup> گاه شماری این بناها نشان دهنده همزمانی دیگر پروژه‌های مختلف ساختمانی با مجتمع گوهرشاد در هرات دارد. مسجد مشهد یک سال پس از شروع کار در هرات (۸۲۰-۸۱۹ ق.) رسماً تکمیل شد. مجتمع گازرگاه نیز همزمان با مجموعه هرات ساخته شده - که بی‌شک نزدیکی جغرافیایی این دو محل سبب تسهیل این امر شده است. مدرسه خرگرد که در بیش از ۲۰۰ کیلومتری هرات واقع شده و با این حال در زمان حیات قوام الدین یعنی قبل از ۸۴۲ ق. انجام شده، چنین نبود، هرچند که مجتمع گوهرشاد در این زمان هنوز به پایان نرسیده بود. همزمانی این بناها نشان دهنده این است که قوام الدین باید منابع مالی قابل توجهی در اختیار داشته باشد. سمرقندی او را در مهندسی، طراحی و معماری شخصی برجسته توصیف می‌کند: اصطلاحاتی که او را در جایگاه یک طراح یا خالق اثر قرار می‌دهد و نه در مقام یک ناظر پروژه.<sup>۱</sup> با این حال، مفاهیم این کلمات از قرن پانزدهم م. / نهم ق. همچنان گیج‌کننده باقی مانده است، بنابراین تفسیر نقش دقیق این شخصیت که معمولاً برای راحتی کار به عنوان «معمار» شناخته می‌شود، امری حساس است.

۱. ر. ک: گلمبک، زیارتگاه تیموریان در گازورگاه، ۶۱-۶۲؛ و نیز مقالات ویلبر، قوام الدین؛ و بابایی، قوام الدین شیرازی. خانقاه و مدرسه شاهرخ در هرات، نخستین گواه بر فعالیت حرفه‌ای قوام‌الدین است (آن، فهرست نام‌های نامی، ۱۳۸-۴۱). درباره سایر بناها نیز به مطالعات زیر نگاه کنید: گلمبک، نایشگاه تیموریان در گازورگاه؛ O'Kane، «مدرسه غیاثیه در خرگرد» و معماری تیموری در خراسان، ۱۱۹-۳۰ (مشهد)، ۱۴۹-۵۲ (گازرگاه)، ۲۱۱-۱۵ (خرگرد)؛ گلمبک و ویلبر، معماری تیموری، اول، ۱۱-۳۰۷ (گازرگاه)، ۲۴-۳۲۲ (خرگرد) و ۳۱-۳۲۸ (مشهد).

۱. سمرقندی، مطلب الدین، ۷۲۰، به نقل از ویلبر، قوام الدین، ۳۱.



نوآوری‌های معمارانه‌اش از طریق بناهایی که حاصل کار او هستند؛ کاملاً شاخص و برجسته‌اند.<sup>۱</sup> اما او چقدر در انتخاب تزئینات این بناهای تاریخی نقش داشته است؟ یادآوری این نکته جالب است که قطعات مرمرینی که در مناره M6 برای مجزا کردن تزئینات بکار رفته‌اند، در آجرهای سازه بنا ادغام شده‌اند (شکل‌های ۸ و ۱۰). این امر دلالت بر ارتباط بسیار نزدیک بین معماری و تزیین دارد. از این گذشته، نقشه‌های تزیینی که بر روی بناهای قوام‌الدین بکار رفته، نشان دهنده حقیقی یکپارچگی سبکی و اصول فنی است. این سخنان حاکی از آن است که قوام‌الدین احتمالاً در انتخاب تزئینات نقش فعالی داشته و لزوماً با گروه‌هایی از صنعتگران وفادار به وی، همکاری نزدیک داشته است.<sup>۱</sup>

در واقع، مشاهده کردیم که تمامی بناهای مرتبط با قوام‌الدین دارای گرایش‌های تزئینی مشابهی بوده‌اند. چه در مشهد، هرات، گازرگاه و چه در خرگرد، طراح، هنر کاشی‌کاری معرق را از طریق طیف گسترده رنگی و تراش بسیار دقیق کاشی‌ها به بالاترین سطح خود رساند که منجر به ایجاد یک مجموعه تزیینی متنوع گردید. همه این بناها زبان تزیینی یکسانی دارند که در آن هنر خوشنویسی جایگاه خود را به لحاظ ساختاری یافته و در آن گرایش‌های کلی خاصی به نقش و نگارهای گیاهی قابل مشاهده است. (لطافت و فرم نیمه نخل‌های ایرانی را در جامع‌ترین حالت تکاملی

۱. از جمله نمونه‌های دیگر به قبله ایوان احاطه شده توسط یک جفت مناره در مشهد، شکل و دهانه محراب در هرات، گازورگاه یا خرگرد، اصل نماهای کاذب (مشهد و گازورگاه) یا طاق‌های متقاطع برجسته در اتاق‌های گنبدی هرات و خرگرد (به سالن سخنرانی مراجعه کنید). برای ترکیبی از این سبک معماری و سیر تحول آن، نگاه کنید به: ویلبر، قوام‌الدین، و ارانه کوتاه در: بابایی، قوام‌الدین شیرازی.

۱. دونالد ویلبر قبلاً ایده یک تیم وفادار از صنعتگران را بیان کرده است که از نزدیک با قوام‌الدین همکاری می‌کنند (ویلبر، «قوام‌الدین»، ۳۵).

خود، به عنوان مثال در شکل ۳۲ مشاهده کنید، یا خط دوتایی نقطه‌دار که ساختار برخی ترکیب‌بندی‌ها را شکل می‌دهد در تصاویر ۱۱ و ۱۰ ببینید.<sup>۱</sup> قوام‌الدین دوست داشت ترنجی‌های لعاب‌دار را با نوعی تکنیک الحاقی برجسته نماید؛ به این صورت که آنها را در پس‌زمینه‌ای از آجرهای بدون لعاب سازماندهی نمود. او این ویژگی زیباشناسانه را به‌ویژه بر مناره‌های خود در مشهد، خرگرد (تصویر ۱۹) و هرات (تصویر ۵ و ۲۴ (الف، ب) اعمال نموده است. وی حتی تأثیر این جلوه‌های تزئینی را از طریق اثر متقابل نقوش برجسته بر هم و ترکیب تکنیک‌های تزئینی مختلف، افزایش داد. می‌دانیم که بخش بزرگی از کاشی‌های کمیاب «آبی و سفید» این دوره حاصل کار او است، چرا که وی این نوع کاشی را بر روی تمام آثار منسوب به خود، به کار برد. همین امر در مورد کاشی‌های «هفت‌رنگ» نیز صادق است (شکل‌های ۱۶-۱۸). از طریق مجموعه‌ای که وی برای گوهرشاد در هرات ساخته، برخی از دیگر ابداعات تزئینی او را نیز کشف می‌کنیم، مانند چندضلعی‌های ساخته شده از سنگ مرمر حکاکی شده یا کاشی‌های تک‌رنگ سفید (شکل ۱۴).

چشمگیرترین پیوند را با مجموعه هرات در تزئینات معماری مدرسه غیاثیه خرگرد شاهد هستیم که به سفارش پیراحمدخوافی، وزیر شاهرخ ساخته شده است. در این دو ساختمان از یک نظام تزئینی یکسان، به ویژه طیف گسترده‌ای از تکنیک‌های کاشی‌کاری با کیفیت بسیار مشابه استفاده شده است. علاوه بر معرق‌ها، معقلی‌ها و کاشی‌های «هفت‌رنگ»، به‌ویژه جالب است که قطعات کاشی‌های «آبی و سفید»

۱. برای نمونه‌هایی از این ویژگی‌ها، در میان پژوهش‌های دیگران ببینید: : لنتز و لوری، تیمور و چشم انداز شاهزاده، شکل 30. (هرات)؛ بابایی، قوام‌الدین شیرازی، ۳۰ (مشهد)، گل‌میک، نیاشگاه تیموریان در گازورگاه، شکل ۳۷. (گازورگاه)؛ اوکین، «مدرسه غیاثیه در خرگرد»، انجیر. VIIIId تا VIIIb.

زیرلعابی در هرات و خرگرد را نیز در نظر بگیریم (شکل‌های ۲۹ و ۳۰): این آرایه بیشتر از این جهت مایه شگفتی است که همانطور که دیدیم این نوع تزیین در معماری تیموری کاملاً نادر است. البته نقاط تشابه بین این دو بنای تاریخی فراتر از کاشی‌های آنها است، چرا که علاوه بر این، مقبره هرات و جماعت‌خانه مدرسه خرگرد نیز دارای نوعی ساختار معماری با دیوارپوشهای گچی نقاشی شده هستند که کاملاً با یکدیگر قابل قیاس‌اند (شکل ۷). این دو بنای تاریخی مسلماً نشانگر مد روز و گرایش‌های زمان خود هستند. گرچه، برخی از ویژگی‌ها همانند کاشی‌های آبی و سفید، غیرمعمول‌تر به نظر می‌رسند که ممکن است آخرین سندی باشند از سبکی فراموش شده. از سوی دیگر، ممکن است این امر گواهی بر سبک و سیاق قوام‌الدین در اواخر کارش باشد.

تعیین خاستگاه و سبک کاری قوام‌الدین برای بررسی، همچنان دارای حساسیت زیادی است. استاد دارای نسب شیرازی بود. به نظر می‌رسد معماری که در خرگرد، پس از فوت قوام‌الدین، پروژه ساختمانی را ادامه داد نیز شیرازی باشد: غیاث‌الدین شیرازی (۸۴۵-۸۴۶ ق.).<sup>۱</sup> بنابراین هر یک از این دو معمار پیاپی، دارای یک نسب بودند که نشان‌دهنده اصالت شیرازی آنها، در فارس است. بر اساس پیشنهادی که لیزا گلمبک ارائه نموده، به نظر وسوسه‌انگیز می‌رسد که شیراز را به عنوان منبع اصلی الهام این سبک بدانیم؛<sup>۲</sup> اما هیچ چیز صحت این ادعا را تأیید نمی‌کند، و شهر شیراز هیچ اثری از آن دوره را حفظ نکرده که شناسایی سبک مخصوص این منطقه را ممکن سازد.<sup>۳</sup>

۱. اوکین، «مدرسه غیاثیه در خرگرد»، ۷۹.. غیاث‌الدین در سایر آثار ساختمانی شناخته شده نیست.

۲. رجوع کنید به: گلمبک، زیارتگاه تیموریان در گازرگاه، ۶۰-۶۲.

۳. اوبه، سرامیک در معماری، ۱۷۷-۸۰.

سبکی که قوام‌الدین به کار گرفت پیرو اسلوبی بود که از اواخر قرن چهاردهم در ماوراءالنهر و در دوره تیموری پدیدار شده بود. از این رو، به عنوان مثال، ترنجی‌های معرق روی پس‌زمینه آجری را می‌یابیم که پیش از این روی مناره‌های کاخ آق‌سرای در شهر سبز دیده می‌شدند (گرچه در اینجا به جای معرق، از کاشی‌های هفت‌رنگ استفاده شده است، ۷۸۰-۷۹۸)، یا بر مناره‌های احاطه‌کننده ایوان قبله در مسجد جامع تیمور در سمرقند ("بی‌بی خانم"، ۷۹۸-۸۰۰ ق.). علاوه بر این، شیوه اجرایی قوام‌الدین در آثار تیموری هرات و مناطق اطراف نیز دیده می‌شود. نقوش هندسی و ترنجی‌های معرق روی زمینه آجری را می‌توان در هرات بر مزار محمد ابوالولید بن احمد (قبل از ۹۰۳/۹۰۲ ق.) و همچنین در مقبره شاهزاده عبدالله بن معاویه (۸۹۴-۸۶۴ ق.)، تصویر ۳۳، یا در تزئینات معماری مدرسه سلطان حسین بایقرا (حدود ۹۰۰/۸۹۰ ق.)، تصویر ۲۸ مشاهده نمود. این بنای آخر، حتی ویژگی‌های تزئینی مختلف مجتمع گوهرشاد را دوباره تکرار و مورد استفاده قرار می‌دهد: مثلاً فرم‌های چندضلعی به‌صورت کاشی سفید تک‌رنگ یا از جنس مرمر، همچنین تزئینی شبکه مانند از فرم‌های ستاره‌ای بر روی زمینه آجری از این جمله است. حتی معماری مدرسه به لحاظ فرمی نیز از برخی عناصر مجتمع گوهرشاد مانند پلان‌بندی اولیه با قراردادن دو اتاق گنبددار به‌صورت متوالی، دوباره استفاده کرده است. اما گسترش این سبک صرفاً از محدوده هرات فراتر می‌رود. مسجد شاه مشهد (۸۵۴/۸۵۵ ق.) تصویر ۲۷ یا مقبره زین‌الدین در تایباد (۸۴۷-۸۵۰ ق.) نمونه‌های جالبی از این دست است. مجموعه تایباد علاوه بر جلوه‌های آجری و معرق‌کاری خود، آشکارا نشان‌دهنده اقتباسی از تزئینات خراسان تیموری است که کاشی‌های هفت‌رنگ و آبی-سفید را با کاشی‌های

تراش خورده مرمرین ترکیب می‌کند.<sup>۱</sup> علاوه بر این، تأثیر این سبک تا سمرقند نیز قابل مشاهده است، جایی که در کاخ عشرت‌خانه (حدود ۸۶۸/۸۶۹ ق.) ترنجی‌های معرق با کاشی‌های «هفت‌رنگ» و «آبی و سفید» به سبکی درکنار یکدیگر چیدمان شده‌اند که از سایر روشهای تزئینی مورد استفاده آن عصر در ماوراءالنهر، کاملاً متمایز است. و این سبک و سیاق، از مرزهای تیموری پا را فراتر نهاد. چنین درجه مهارت بالایی از معرق‌کاری، در تقابل با آجر و نقوش برجسته و نیز در ترکیب با تکنیک‌های متنوع کاشی‌کاری شامل آرایه‌های استثنایی آبی- سفید را می‌توان در تبریز؛ پایتخت قرن پانزدهمی قراقویونلوها و آق‌قویونلوها یافت کرد: از جمله در مسجد کبود (۸۶۹/۸۷۰ ق.) و مسجد اوزون حسن (حدود ۸۸۱/۸۸۲-۸۸۸/۸۸۹ ق.).<sup>۱</sup>



شکل ۳۲. جزئیات تزئینات صحن در حرم عبدالله انصاری در گازرگاه.

۱. رجوع کنید به کاشی‌های «آبی و سفید» مقبره تالیاد در همان منبع، p. 81. ۱  
 ۱. در مورد این دو بنا، نگاه کنید به: اوبه، «مسجد آبی تبریز»، «»، «مسجد اوزون حسن در تبریز»، و ترکیب در: اوبه،  
 ۴. سرامیک در معماری، فصل ۴.



شکل ۳۳. جزئیات تزئینات معرق و آجری در ایوان ورودی زیارتگاه شهزاده عبدالله بن معاویه در هرات

می‌توان در مجموعه کتیبه‌های مسجد کبود همین درجه از ظرافت و حتی تکرار برخی فرم‌های تزئینی را شاهد بود: ستاره‌های کشیده<sup>۱</sup> به‌عنوان موتیف اصلی مناره M6 در هرات، یا حاشیه زینتی از نخل‌های سه‌طرفه با یک الگوی جناغی<sup>۲</sup> که قسمت بالایی مناره M5 را در هرات زینت می‌داد (شکل ۲۵) و پیش از این در مشهد، در تزئینات مسجد گوهرشاد استفاده شده بود،<sup>۳</sup> از این جمله است. در تبریز بایستی به استفاده بدیع از ترنجی‌های گلدار معرق روی زمینه آجری<sup>۴</sup> اشاره کرد که خاستگاه آن

۱. رجوع کنید به: اوبه، سرامیک در معماری، pl. 8 ۳۵ برای تصویرسازی این الگو در تبریز.

۲. برای تصویری از این الگو در تبریز رجوع کنید به همان، pl. 87 ۹۳ (یکی از ستون‌های سمت چپ را ببینید).

۳. عکس منتشر شده را ببینید: گلمبک و ویلبر، معماری تیموری، دوم، ص. ۲۴۷.

۴. تعدادی از این تزئینات در: اوبه، سرامیک در معماری، pl. 42 ۳۵، pl. 20, 62 pl. 8, 45 آمده است.

را می‌توان سبکی دانست که چند دهه قبل در قلمرو کاری قوام‌الدین به تصویر درآمده بود. این قیاس، رابطه نزدیک بین هرات و تبریز که در دوران اوج شکوفایی آنها به عنوان مراکز هنری برقرار شده بود، برجسته می‌کند. این تشابهات نمونه‌ای از گردش صنعتگران بین کارگاه‌های مختلف ساختمانی یا دربارهای حکومتی مختلف است.<sup>۱</sup> به‌واسطه آنها، جابجایی نقشه‌ها و طرح‌ها نیز حاکی از این امر است.<sup>۲</sup>

بنابراین، در حالی که آثار قوام‌الدین اغلب به دلیل پیشگام بودن برای سبک‌های متأخر معماری همچون صفویه یا مغول مورد ستایش قرار می‌گیرد،<sup>۱</sup> لازم به ذکر است که سبکی که او ایجاد کرد، پیش از آن بر معماری تیموری و ترکمن در طول قرن پانزدهم تأثیر عمیقی گذاشته بود. مجتمع گوهرشاد هرات که منعکس‌کننده یک سبک تزئینی بنیادین است، تنها یکی از این نمونه‌ها است.

می‌توان انتظار داشت که حفاری‌های باستان‌شناسی آینده در این محل، اطلاعات جدیدی را در مورد این بنای شاخص ارائه دهد. اولین بررسی‌های انجام شده توسط Urban در سال ۲۰۱۰ نشان داد که مدرسه گوهرشاد تقریباً به‌طور قطع بر روی یک ساختمان قدیمی ساخته شده است، اما هرگز مورد مطالعه قرار نگرفته است.<sup>۲</sup>

۱. برای مثال چندین رویداد تاریخی باعث مهاجرت صنعتگران از یک دربار به دربار دیگر شد. این مورد زمانی بود که بایسنقر تیموری در سال ۱۴۲۰ شورش را در تبریز سرکوب کرد و صنعتگران و روشنفکران محلی را به دربار خود بازگرداند. در سال ۱۴۵۸ قره قویونلو جهانشاه هرات را تصرف کرد و با همراهی پیشه‌وران به تبریز بازگشت. برای نمونه‌هایی از پیوندهای هنری تبریز و خراسان، نگاه کنید به: اوبه، «مسجد اوزون حسن در تبریز»، ۵۳-۶.

۲. در مورد گردش الگوهای معماری در ایران قرن پانزدهم، رجوع کنید به: نجیب اوغلو، طومار توپقاپی، و اوبه، در معماری، فصل ۴، و به ویژه ۶۷-۷۱.

۱. بابایی، قوام‌الدین شیرازی، ۳۳.

۲. شهر، هرات: مدرسه گوهر شاد، ۲۰.

انجام کاوش‌های باستان‌شناسی به ما کمک می‌کند تا بفهمیم این بنای مهم معماری تیموری چطور ساخته شده، تا در جهت حفظ و بازیابی بیشتر آن حرکت کرده، به احتمال زیاد مصالحی درون آن پیدا نموده و لذا از این طریق در بازیابی تزئینات مجموعه، فنون به کار رفته در آن، و شناخت درخشش این مرکز هنری برجسته یعنی هرات قرن پانزدهم، قدمی فزاینده‌تر نهیم.

### سپاس‌گزاری‌ها

نویسندگان صمیمانه از یونسکو به خاطر همکاری‌اش و بویژه از ماسانوری ناگائوکا، ماریا-ریتا آستوسو، آناند کانتیکار و نصیر احمد یاور تشکر می‌کنند. همچنین از باستان‌شناسان DAFA برای مشارکت و همکاری در این پروژه تشکر فراوان داریم: ویدگی بریس، رامین دانش‌جو، بستانعلی فروغ، احمد ضیاء حیدری، ذبیح‌الله محمدی، بشیر رستقی. نویسندگان همچنین مدیون ریاست باستان‌شناسی افغانستان و ریاست حفاظت از احیای شهرهای باستانی و میراث تاریخی هستند. از Livia Alberti، Ermanno Carbonara، Bernard O’Kane، Lucile Martinet و Véronique Gervais برای تخصص و مشاوره‌های‌شان تشکر ویژه می‌کنیم.

### فهرست مراجع

- Conolly, Arthur (1834). *Journey to the North of India, Overland from England, through Russia, Persia and Affghaunistaun*. London: T. Bentley.



- فصیح، احمد بن جلال‌الدین محمد خوافی (۱۳۳۹). مجمل فصیحی، به تصحیح محمود فرخ، تهران: نشر اساطیر.
- پی‌یر، ژوزف (۱۴۰۲). سفر با کاروان، ترجمه حسین هژبریان، تهران: نشر فروزان روز.
- اسفزاری، معین‌الدین محمد (۱۳۳۸). روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، به تصحیح محمد کاظم امامی، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام (۱۳۸۰). تاریخ حبیب‌السیر، با مقدمه استاد جلال‌الدین همائی، تهران: نشر خیام.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام (۱۳۸۹). تاریخ روضه‌الصفای سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء، تهران: نشر اساطیر.
- سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۸۳). مطلع سعدین و مجمع بحرین، تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بابایی، سوسن و شیرازی، قوام‌الدین (۱۳۵۴). مدرسه غیاثیه خرگرد و مسجد گوهرشاد، تهران: انجمن مفاخر فرهنگی.

- Holdich, Major Thomas H. (1885). "The Musalla and tomb of Sultan Shah Rikh." *The Illustrated London News*, August 15<sup>th</sup>, 177–179.

- Lal, Mohan. (1846). *Travels in the Panjab, Afghanistan, and Turkistan, to Balk, Bokhara and Herat; and a Visit to Great Britain and Germany*. London: W.H. Allenn & Co.

- Niedermayer, Oskar von. (1924). *Afganistan*. Leipzig: Verlag Karl.
- Pelly, Lewis. (1866). *Journal of a Journey from Persia to India through Herat and Kandahar*. Bombay: Education Society's Press Byculla.
- Yate, Captain C.E. (1926). "Inscriptions Formely in the Musalla of Herat." *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland* 2, 290–294.
- Yate, Captain C.E. (1888). *Northern Afghanistan*. Edinburg: W. Blackwood & Sons.

Studies:

- Allen, Terry. (1981). *A Catalogue of Toponyms and Monuments of Timurid Herat*. Cambridge, MA: Aga Khan Program for Islamic Architecture at Harvard.
- Allen, Terry. (1983). *Timurid Herat*. Wiesbaden: Beihefte zum Tübinger Atlas des Vorderen Orients, Reihe B, Nr. 56.
- Aube, Sandra. (2017). *La céramique dans l'architecture en Iran au XV<sup>e</sup> siècle. Les arts qarâ quyûnlûs et âq quyûnlûs*. Paris: PUPS/ IFRI.
- Aube, Sandra. (2008). "La Mosquée bleue de Tabriz (1465): Remarques sur la céramique architecturale Qarâ Qoyunlu." *Studia Iranica* 37, no. 2, 241–277.
- Aube, Sandra. (2016). "The Uzun Hasan Mosque in Tabriz: New Perspectives on a Tabrizi Ceramic Tile Workshop." *Muqarnas* 33, 33–62.

- Ball, Warwick. (1982). *Archaeological Gazetteer of Afghanistan*. Paris: Mémoire de la Délégation Archéologique Française en Afghanistan.
- Bernardini, Michele. (2008). *Mémoire et propagande à l'époque timouride*. Paris: Association pour l'Avancement des Études iraniennes.
- Bruno, Andrea. (1976). *The Citadel and Minarets of Herat*. Turin: UNESCO.
- Byron, Robert. (1933). Black-and-white photographs taken in held at the Courtauld Institute of Art, London.
- Conti, L., and G. Sidoti. (2015). "Laboratory Tests on Materials, ISCR." Unpublished report, UNESCO.
- Forbes Manz, Beatrice. (2002). "Gowhar-Šā Āgā." *Encyclopaedia Iranica* 11, no. 2, 180–181.
- Forbes Manz, Beatrice. (2007). *Power, Politics and Religion in Timurid Iran*. New York: Cambridge University Press.
- Forbes Manz, Beatrice. (1989). *The Rise and Rule of Tamerlane*. New York: Cambridge University Press.
- Foucher, Alfred. (1942). *La vieille Route de l'Inde de Bactres à Taxila*. Paris: Les Éditions d'Art et d'Histoire.
- Franke, Ute, ed. (2007). *National Museum Herat – Areia Antiqua Through Time*. Berlin: Deutsches Archäologisches Institut Berlin.
- Golombek, Lisa. (1983). "The Resilience of the Friday Mosque: The Case of Herat." *Muqarnas* 1, 95–102.

- Golombek, Lisa. (1969). *The Timurid Shrine at Gazur Gah*. Toronto: Trustees of the Royal Ontario Museum.
- Golombek, Lisa, and Donald Wilber. (1988). *The Timurid Architecture of Iran and Turan*. Princeton: Princeton University Press, Hatch Wolfe, Nancy.
- *Herat. A Pictorial Guide*. Kabul: The Afghan Tourist Organization (1996).
- “*Herat, une ville d’art et d’histoire, victime du conflit*” (1988). Unpublished collection of papers given during the symposium by AFRANE and CEREDAF in Paris, Sénat, 3 May.
- I’timadi, Guya. (1343/1965). *Adabat-i nafise-yi Harat*. Kabul: Nisharat-i Anjuman-i Jami.
- I’timadi, Guya. (1953). “*The General Mosque of Herat.*” *Afghanistan*
- 8, no. 3, 40–50.
- I’timadi, Guya. (1946). “*Le Dôme vert ou le mausolée des princes timurides.*” *Afghanistan* 1, 15–19.
- Jawed, E. (2001). “*The Rehabilitation of the Musallah Complex in Herat Begins.*” *SPACH* 7, 12–15.
- Knobloch, Edgar. (2011). *The Archaeology & Architecture of Afghanistan*. Gloucestershire: Tempus.
- Lentz, Thomas W., and Glenn D. Lowry. (1989). *Timur and the Princely Vision. Persian Art and Culture in the Fifteenth Century*. Los Angeles: County Museum of Art.
- Manhart, Ch. (2003). “*UNESCO’s Mandate and Activities for the Rehabilitation of Afghanistan’s*

- Cultural Heritage.*” In *Of the Past, for the Future: Integrating Archaeology and Conservation. Proceedings of the Conservation Theme at the World Archaeological Congress, June.*
- N. Agnew, and J. Bridgland, 258–263. Los Angeles: Getty Conservation Institute.
  - Necipoğlu, Gülru. (1995). *The Topkapı Scroll: Geometry and Ornament in Islamic Architecture. Topkapı Palace Library MS H. (1956).* Santa Monica, CA: Getty Center for the History of Art and Humanities.
  - O’Kane, Bernard. (2011). “*The Development of Iranian cuerda seca Tiles and the Transfer of Tilework Technology.*” In *And Diverse are Their Hues: Color in Islamic Art and Culture*, edited by J. Bloom, and S. Blair, 175–203. New Haven: Yale university press.
  - O’Kane, Bernard. (1976). “*The Madrasa al-Ghiyasiyya at Khargird.*”
  - *Iran* 14, 79–92.
  - O’Kane, Bernard. (1979). “*Taybad, Turbat-i Jam and Timurid Vaulting.*” *Iran* 17, 87–104.
  - O’Kane, Bernard. (1987). *Timurid Architecture in Khurasan.* Costa Mesa: Mazda Publishers.
  - Ollagnier, Céline. (2010). “*De Kairouan (Tunisie) à Shahrissabz (Ouzbékistan), Contribution à la sauvegarde de sources documentaires de l’humanité.*” PhD dissertation, University Bordeaux 3-Michel de Montaigne.
  - Pacheco, Claire. (1981). “*Étude des films d’or sur matière vitreuse : Application à la céramique glaçurée islamique médiévale : Asie centrale, XIVe-*

- XVe s. – Iran XIIIe-XIIIe.*” PhD dissertation, Université Bordeaux 3-Michel de Montaigne, 2007.
- Pope, Arthur Upham. *Survey of Persian Art: From Prehistoric Times to the Present.* Oxford: Oxford University Press, 1939.
- Pougatchenkova, Galina A. *Chefs-d’œuvre d’architecture de l’Asie Centrale XIV<sup>e</sup>-XV<sup>e</sup> siècle.* Paris: Presses de l’UNESCO.
- Pugachenkova, Galina A. (1963). “*Ishrat-Khaneh and Ak-Saray, Two Timurid Mausoleums in Samarkand.*” *Ars Orientalis* 5, 177–189.
  - “*Restoration of monuments in Herat.* (1981). *Strengthening Government’s Capability for the Preservation of Historical Monuments.*” Unpublished technical Report, UNESCO, UNDP/AFG/75/022.
  - Saljuqi, Fikri. “The Gravestone of Gauhar Shad.” *Afghanistan* 25, 29–31.
  - Santana Quintero, M., and T. Stevens. (2002). “*Metric survey tools in recording: Mussalah Complex Herat and Minaret Jam, Afghanistan.*” Unpublished report, UNESCO.
  - Schroeder, Eric. (1935). “*Preliminary Note on Work in Persia and Afghanistan, April-December.*” *Bulletin of the American Institute of Iranian Art and Archaeology* 4, no. 3.
  - Soustiel, Jean, and Yves Porter. (2003). *Tombeaux de paradis. Le Shâh- e Zende de Samarcande et la céramique architecturale d’Asie centrale.* St-Rémy-en-l’Eau: Monelle Hayot.

- Subtelny, Maria. (2007). *Timurids in Transition. Turko-Persian Politics and Acculturation in Medieval Iran*. Leiden: Brill.
- Szuppe, Maria. (2003). "Herat iv. Topography and Urbanism."  
*Encyclopaedia Iranica* 12, 211–217.
- Urban, Thomas. (2010). "Herat: Gawhar Shad Madrasa. Archaeological Excavations and Topographical Mapping." Unpublished report, UNESCO.
- Wensick, A. J., and Robert Hillenbrand. "Musalla." *EI2* 7,658–660.
- Wilber, Donald. (1937). "The Institutes Survey of Persian Architecture. Preliminary Report of the Eighth Season of the Survey." *BAIIAA* 5, no. 2, 109–131.
- Wilber, Donald. (1987) "Qavam al-Din ibn Zayn al-Din Shirazi: A Fifteenth-Century Timurid Architect." *Architectural History* 30, 31–44.

## **The Complex of Gawhar Shad in Herat: New Findings about its Architecture and Ceramic Tile Decorations**

### **Abstract**

The architectural complex commissioned by Gawhar Shad in Herat (820–841/1417–1438) constitutes one of the major foundations of the Timurid capital city. The site has sustained substantial damage over the centuries and very little is currently known about its architecture and decoration. Since the 1980s, access to it has been strictly limited due to the presence of landmines. This article aims to present the last archaeological surveys carried out on the site in recent years, and to introduce the first results of the study of the ceramic tiles collected on the “Musalla” and transferred to the National Museum of Herat in 2015. The implementation of archaeological digs would help us understand what this major monument of Timurid architecture was built on, to advance further in its restitution, possibly to find material within its context, and hence to go further in the restitution of the decorations of the complex, of the techniques used, and of the radiance of the remarkable artistic centre that was Herat in the fifteenth century.

**Keywords:** Ceramic tile; architecture; Gawhar Shad; Timurid Herat; Musalla.